

خط جزء هش

دوره انتخابی
در دنیا اجتماع

اوچیجی دوره انتخابی

۳۰ نجی انتقاد

۱۳۳۴ کانون آن

[مال]

۱۳۳۶ ربیع الاول

موضع
و درج

روزنامه مذاکرات

فایده فارسی
گردید

روزنامه مذاکرات بیکند و وضع اولویت مراد :

- مذاکرات تشریه نهاد و عوشه از اسباب تأثیری خدنه کالش معموق این مطالعه بیک رهاسنگ سوال تغیری .
- گنج موت تأثیره قاتمه مراد :

۱۳۴

کتاب مدل فرازندگی .

۱۳۵

کتاب مدل فرازندگی فتوونک ۲۶ - کلی مادمی مدل فرازندگی .

۱۳۶

کتاب مدل فرازندگی .

۱۳۷

کتاب مدل فرازندگی .

۱۳۸

کتاب مدل فرازندگی .

۱۳۹

کتاب مدل فرازندگی .

۱۴۰

کتاب مدل فرازندگی .

۱۴۱

کتاب مدل فرازندگی .

۱۴۲

کتاب مدل فرازندگی .

۱۴۳

کتاب مدل فرازندگی .

۱۴۴

کتاب مدل فرازندگی .

۱۴۵

کتاب مدل فرازندگی .

۱۴۶

کتاب مدل فرازندگی .

۱۴۷

کتاب مدل فرازندگی .

۱۴۸

کتاب مدل فرازندگی .

۱۴۹

کتاب مدل فرازندگی .

۱۵۰

کتاب مدل فرازندگی .

۱۵۱

کتاب مدل فرازندگی .

۱۵۲

کتاب مدل فرازندگی .

۱۵۳

کتاب مدل فرازندگی .

۱۵۴

کتاب مدل فرازندگی .

۱۵۵

کتاب مدل فرازندگی .

۱۵۶

کتاب مدل فرازندگی .

۱۵۷

کتاب مدل فرازندگی .

۱۵۸

کتاب مدل فرازندگی .

۱۵۹

کتاب مدل فرازندگی .

۱۶۰

کتاب مدل فرازندگی .

۱۶۱

کتاب مدل فرازندگی .

۱۶۲

کتاب مدل فرازندگی .

۱۶۳

کتاب مدل فرازندگی .

۱۶۴

کتاب مدل فرازندگی .

مندرجات

صیغه

۱۶۴

اوایل و اراده

۱۶۵

اوایل و اراده

۱۶۶

اوایل و استیضاح

۱۶۷

اوایل و اراده

۱۶۸

اوایل و اراده

۱۶۹

اوایل و اراده

۱۷۰

اوایل و اراده

۱۷۱

اوایل و اراده

۱۷۲

اوایل و اراده

۱۷۳

اوایل و اراده

۱۷۴

اوایل و اراده

۱۷۵

اوایل و اراده

پایان مذاکرات

دیده

۱۷۶

دیده

۱۷۷

دیده

۱۷۸

دیده

۱۷۹

دیده

۱۸۰

[ریس : حاجی مادر بیک اندی]

خط سایه فرائی

دیده سایه فرائی

۱۸۱

دیده سایه فرائی

۱۸۲

دیده سایه فرائی

۱۸۳

دیده سایه فرائی

۱۸۴

دیده سایه فرائی

۱۸۵

دیده سایه فرائی

۱۸۶

دیده سایه فرائی

۱۸۷

دیده سایه فرائی

۱۸۸

دیده سایه فرائی

۱۸۹

دیده سایه فرائی

۱۹۰

دیده سایه فرائی

۱۹۱

دیده سایه فرائی

۱۹۲

دیده سایه فرائی

۱۹۳

دیده سایه فرائی

۱۹۴

دیده سایه فرائی

۱۹۵

دیده سایه فرائی

۱۹۶

دیده سایه فرائی

۱۹۷

دیده سایه فرائی

۱۹۸

دیده سایه فرائی

۱۹۹

دیده سایه فرائی

۲۰۰

دیده سایه فرائی

۲۰۱

دیده سایه فرائی

۲۰۲

دیده سایه فرائی

۲۰۳

دیده سایه فرائی

۲۰۴

دیده سایه فرائی

۲۰۵

دیده سایه فرائی

۲۰۶

دیده سایه فرائی

۲۰۷

دیده سایه فرائی

۲۰۸

دیده سایه فرائی

۲۰۹

دیده سایه فرائی

۲۱۰

دیده سایه فرائی

۲۱۱

دیده سایه فرائی

۲۱۲

دیده سایه فرائی

۲۱۳

دیده سایه فرائی

۲۱۴

دیده سایه فرائی

۲۱۵

دیده سایه فرائی

۲۱۶

دیده سایه فرائی

۲۱۷

دیده سایه فرائی

۲۱۸

دیده سایه فرائی

۲۱۹

دیده سایه فرائی

۲۲۰

دیده سایه فرائی

۲۲۱

دیده سایه فرائی

۲۲۲

دیده سایه فرائی

۲۲۳

دیده سایه فرائی

۲۲۴

دیده سایه فرائی

۲۲۵

دیده سایه فرائی

۲۲۶

دیده سایه فرائی

۲۲۷

دیده سایه فرائی

۲۲۸

دیده سایه فرائی

۲۲۹

دیده سایه فرائی

۲۳۰

دیده سایه فرائی

۲۳۱

دیده سایه فرائی

۲۳۲

دیده سایه فرائی

۲۳۳

دیده سایه فرائی

۲۳۴

دیده سایه فرائی

۲۳۵

دیده سایه فرائی

۲۳۶

دیده سایه فرائی

۲۳۷

دیده سایه فرائی

۲۳۸

دیده سایه فرائی

۲۳۹

دیده سایه فرائی

۲۴۰

دیده سایه فرائی

۲۴۱

دیده سایه فرائی

۲۴۲

دیده سایه فرائی

۲۴۳

دیده سایه فرائی

۲۴۴

دیده سایه فرائی

۲۴۵

دیده سایه فرائی

۲۴۶

دیده سایه فرائی

۲۴۷

دیده سایه فرائی

۲۴۸

</div

رئیس — ایشیدیره جکلر افندم .
تلگراف و تلفون اموری مدیری فواد بک — فی الحقیقہ ، پوسته
و تلفاف و تلفون نظاری ، کنديسته تو دیع او لونان و ظاهراک ، خدمتک
درجه اهیتی و اسر خباراتک لایق اولینی سرعت و سلامتہ تعلیمی
اسبابی تأمین خصوصی حقیله تقدیر ایده رکابخانه تو سلایمی و اخاذ
و تطبیقیه موقق اولینی تدابیر ایلهه مرأت مفیده اقتضافه
باشلاشی ایدی . تخته بیور بیور بیور که ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ سنه ری
اوائلنده ، شدی موجب شکایت او لان حالات ، اور ۷۰۰ قائمشدنی .
پوسته و تلفاف معاملات امورنده عالان شوازی صلاحیتن
هر کس شایان منویت برسورتنه بحث اینک باشلاشی ایدی .
(ایشیدله بیور صداری) فقط ۱۳۳۰ سس اوائلنده سرزده
ظهور او لان احوال معلومه ، کرک تدابیر متخفی ، کرک تصورات
آتیی ده آلت اوست ایلهمشدن . سفر بیک ایله برایر ، طرق و وسائل
غایره و مواسله ، اداره عکریه نک امر و استعماله حصر و تخصیص
اولویت ، خبرات خصوصیه من ایده مش و فقط قصر و تحدید
اولویت . تلارک خبارات عکریه ایله محول و مشغول او لامسندن
تاشی ، تلارک اقامه رک تأخرات عظیمه معرض و سانسوره تابع
اولینی هر که ، اصحاب مصاله تبلیغ اولویت .

احوال عکریه تلقی ایشیدیک ایجون ، علناً سویله نیمه می مناسب
او لایان اسباب عدیده دن خبارات خصوصیه نک تمامآ تاخذن تخلیصی
امکانی حاصل او لامشدن . نظارات ، بعض علارهه تلارک عدوی
تریید و بعض یارلدهه سریع ما کنهر تائیسی صورتیه تلارک قله
او لان قابلیتی توسعی الهمک ثبت ایلهوی . و بو شبات سایه سنده
غایراتک بر درجه تسریع جریانه موقق اولمشدن . مناطق حریبه نک
تمددی و در سعادتک وضیت جنایی سه کوره برو مناطقدکی اودولر
احتیاجات خباره سندک تأمین ایجون موجود دوغزی تلارک منحصر
قرار کاهله خصیصی صروری حاصل او لامی خبارات خصوصیه بر
قات دها تضییق ایلهمشدن .

موجوده امورین و مستخدمینک بر قسم مهمه ، همرا تلگراف و پوسته
خدمتیه افزار ، بیور او لان نظارات ، متابی خباره اموری لیست
اوقات ساعیتی ثلث راده سنده تریید ایش و اساساً بعض مناطقدنه
خبرات عمومیه یوزده طقسان در جسنه و ارمیه برو تزايد متادی
امورلری دها زیاده جالیشنه بیور ایش و بیور تله جالیشان
امورلر بیور غون دوشمشدن بیور غون تلاری فدان تقدیدن ، فدان
تقدیدن ، برقات دها آر ترق ، بیور جوی یارلدهه خسته دوششاردر .
سید اندی (مموره افغانی) — افندم ، آکلامایورم ، آکلا .
مادقدن واشتمدکدن سوکره ، بیو افدا تک ناهیتی وارد؟ (خنده)
واوت ، ایشتم بورز صداری)

تلگراف و تلفون اموری مدیری فواد بک — اوت افندم ، تلگراف
امورلری خسته دوششاردر و هر کون بیور تله خسته دوش ماورلرک
خدمتیه تأمین اینک نقدر کوچ براش اولاچنی و بحالک

امین عبدالهادی بک (نابلس) — افندم ، شدی بیور بیور سکزک
حکومت مأموری کلیدی . حاکم بک نظامنامه داخلیمز موجنجه ،
ناظر بک بالذات کلوب جواب ویرمه می لازم کلیدی . بناء عليه
بر کره بوسٹله توضیح ایشون . اکر مأموری افاده و جواب ایشی
کافی ایسه اعلا . فقط نظامنامه داخلی مصحر حدر ، ناظر بک جواب
ویرمه اقضا ایدر .

رئیس — افندم ، مادامک نظامنامه داخلین بحث ایشیدیک .
مساعده بیور رسکز عرض ایده م : نظامنامه داخلیزک سؤال
و استیضاح حق کی کن تدون او لونان ماده لری ، هنوز هیئت جلیله کرجه
تصدیق ایده مشدن . بناء عليه هیئت جلیله ، سؤال حقدنه اصول قیدیه
دادرسته معاامله کورو . اصول قیدیه منده ، بیو لیه سؤال راقعه عنده
ناظره تبلیغات اجر ایشک و ناظرک تین ایده کی کون اوزریه مسٹلی
روز نامه یه قیوب هینکز عرض ایشیدک . قانون اساسی حق دکل سؤالک ،
استیضاح دنی با بالذات و یا میتلری روئسای مأموریندن بری
واسطه سیله جواب ایشک صلاحیتی ناظرلر . ویرمه
اولویتمند هیئت جلیله ، ناظرلرک بالذات بحضوریه قرار ویرمکده
عختار اولنله برایر ، ناظر بک روئسای مأموریندن بری کوندره بیلر .
نظامنامه دن بحث بیور دیکزک ده اونک ایجون سویله بیورم : نظامنامه من لا
سؤال و استیضاح حقنده کی احکام جدیده می ، هنوز هیئت جلیله نک
ناظر تدقیقندن چکه مشدر . احکام قیدیه ده ، عرض ایشیدیکم سر کزده دره ،
شندی و قوف و معلوماته بناء تلگراف اموری مدیری فواد بکی
کوندره مشرل ، اما هیئت جلیله ، بیو سؤالک جوابی بهمه حال بالذات
ناظردن طلب ایدر ، شکلندن برقار و برجک اولورس او زمان ،
بو ، او بله ظل ایدی بیورم که ، سؤال شکلندن چیقار .

امین عبدالهادی بک (نابلس) — بنده کز اصرار ایتمیورم
افندم . هیئت جلیله نصل موافق کورو رسه او بله او لور .
رئیس — سؤالکری اضاح ایش حکمک در افندم . جواب
و برجک ذاته بوراده در .

امین عبدالهادی بک (نابلس) — جواب ویرسونل افندم .
رئیس — ناظرک شخصیاً وجودیه هیئت جلیله لزوم کور بیورم ؟
(خایر صداری) بیولزمی کور نلر لطفاً فالدیرسون :
لزوم کورو لم مشدر .

پوسته و تلگراف و تلفون ناظری تامه تلگراف و تلفون اموری
مدیری فواد بک — میوئان کرامدن بیتلری تلارک اقامه رک
تاخرات فوق الماده میه معروض قالقده اولدیقی و بیو تاخرا تک
حد معروف آشیقین یان ایده رک ناظر تدن ، حکومت دن ، اسباب
سوال بیور بیور . مساعده ایده رسه کز اسباب عرض ایده م :
فی الواقع تلارک اقامه رک بیو قسم مهمی ، از جله شو سوک زمانه ده ،
بیو لک تاخرا تک دو جار او لش و بو تاخرات الآن دوام اینکده بولو مشدر .
فقط میوئان کرام حضرانی متریع اول سونارک بیو ، بر سبب هارضیدن
ایله کلشدر و ازاله اصلاحه کال کرمی ایله چالیشلیور . (هی طرف دن
ایشیدله بیور صداری)

ماده داخلدر، او ماده، بوراده مذاکره ایدلادی و قت، بومسنه ده موضوع بحث اولور و هیئت جلیله جه حل ایدلیرسه موافق اولور.

اوراده وارده

رئیس — اعیان ریاستند بر تذکرمه اندم. لطفاً اوقویکنر بک اندی:

مجلس میتوان ریاست جلیله است

مجلس میتوان جبهه سندک اوقاف و افراده خانه هر صد لرک بالاستمالاک بعض اینه جدیده انشاسی ایجون ۱۳۳۲ سنه علیش

میتوان بودجه سه تخصیصات فوق العاده اوله لرک ایکی میلیون غروش علاوه سی حقنده میتوان هیأت اداره مستجه تکلیف اولونوب هیأت عمومیه میتوان تدبیاً با القبول ۲۹ نیابتاط ۱۳۳۳ تاریخی و درت یوز اوتوز آلتی نور و لو تذکرہ علمه ریاستناهیاریه ارسال اولوان لایحه قانونی مجلس اعیان مایل انجمنته تدقیق اوله لرک ۱۳۳۳ سنه خاتم بولشن اوله لری جهله تخصیصات مطلوبه نک مذکور بودجیه ادحال مقصدی تأمین ایده مه یه جنکنن لایحه مذکوره نک اعاده سی لزومی بیان اولونوش و هیأت عمومیه ایانه لدی مذاکره سالف ایان لایحه نک اعاده سه قرار ورلش و اولیا بدک اینجن مضطبه سی ایله برابر لاما و ااده تقدیم قننندر. اولیا بدک امر و فرمان حضرت من له الامر کدر. ۲۴ ربیع الاول ۱۳۳۶ و ۸ کانون نان ۱۳۴۴

کتاب معنوی

اعمال متنان

رخت

مجلس اعیان (رئیس)

رئیس — بونی، هیئت اداره به تودیع ایدبیورز. تدقیق ایسونلر و تیجه سی هر ض ایسونلر اندم.

سؤال و استفسار

— ثوابات تنظیر اینلک و توسریک اسباب تأثیری هفته نابس سیعی اینه عبد الهادی بکه رفاقتانک سوال تقدیری

رئیس — نابس معموق اینه عبد الهادی بک و رفاقت محترمه سی طرفند ورلش رسواه تقریری، پوسته و تغیرات نظراته تبلیغ ایشندک. نظراتیه، وقوف و معلوماته بناءً تغیرات اموری مدیری فتاوی بک، سواله جواب ویرمک اوزروم کوندرلشدر. لطفاً تقریری اوقویکنر بک اندی:

مجلس میتوان ریاست جلیله است

اموال حریمه دولاییسله تنراف خلاریک منقولتی قدر ایدبیورز، قطه هر شیخ ر حدى وادر، تنراف خلاریک منقولتی قدر ایدبیورز، بحدی جوقدن پکشند. اوج قات ایرجی ویره کشیده ایدلیان تنراف اهاله بوس سرتیله بیله کیده بیور. خوارات تنراهنک وبوست لزک اسباب تأثیری ندد متولد اوله لری حکومتند سوال ایدز. ۳۱ کانون اول ۱۳۳۳ اوفی دیاربکر سیوره ک مرین دیاربکر نابس معموق کامل ذائق و هی صادق فیض امین میدهادی

قره حصار

سام

پیش اله

حا

وصی

سداده

قطلنون

طرابلس شام

قدس

ردی

سداده

قدس

ارزجان

بازیز

شام

شیق

حات

مل جید

سوکره، بونی تقبیب ایدن جلیله دلیر، کنديستنک افاداتی سهو ترتیب و باخود، سهو قام اوله لرک باشنه بمهاته یازلش اوله لری عرض ایدلرک تصحیحی طلب ایچک ایست. حال بکه او ضبطه اوقویش و هیئت جلیله جه تصدیق ایدلشدر. شوحاله ایکنی جلیله اومیعوت مطالعه پاک آنمه برسهو قلم اولشند، آنکه تصحیح ایدلرک ضبطه کیهه سی طلب ایدبیورم؟ دیه همزی؟ بنده کز دیبورم که دیه بیلیل و کیفتی تصحیح بوجلیله ده کی ضبطه کیمیلدر. چونکه بوکا داٹ نظامنامه داخلیه صراحته بمنویت کوره بورم.

رئیس — اندم، بوسنات علیلری، نظامنامه داخلیزک ۴۵، نجی ماده سه مانددر. بو ۴۵، نجی ماده احمدیه کیمیش.

انجن مضطهستنک برقی در دست طبعدر و برقی ده طبع اولو نشد. بو ۴۵، نجی ماده تامیله ضبطه مانددر. بر قاج کوئه

قدر هیئت جلیله کزک مذاکره سه هر ض ایدلرک. اوقات بومسنه ده مذاکره ایدز.

صادق اندی (دکتری) — اندمراه و هیئت جلیله هر ض ایدبیکم شی، نظامنامی تبدیل ایده جک ماهاته دکدرکه، اونک

مذاکره سه تأخیر و تعلیق اولونسون. چونکه شومطالعه مک نظامنامه هی مخالف اوله لری عرض ایدبیورم.

مثله، کیکی، جمه ایرانی کونکی مذاکره هیه ماند ضبطک ۴۳۰، نجی

صیفه سنک ۳۰، نجی سلطنه ۳۰... شرکت ملک، مفاوضه هی قسم ایدلش، دیه یازلش. حال بکه بوله دنیله دی. دنیله دی اوزره

بورکب شربه تحریر و تصحیح ایدلرک. شرک عقد، مفاوضه و سازهه قسم ایدلش، آشاغیده اونی تقبیب ایدن عباره ده، « الفاظ عربیه، دنیله، اوده» الفاظ عمومیه،

او لاجقدر. حال بکه بولنر، بولون ماهیت مسنه دکندری دیکنندن طولانی بو تصحیحاتک شو ضبطه کیمیه سنده و بو کی طبلارک اسماقنده

نظامنامه داخلیزک جه بنده کز بر عذرور و ممنویت کوره بیورم، بلکه مقول کوره بورم و بکا، نظامنامه داخلیه ده مساعددر، دیبورم.

رئیس — پک اندم، مقصه عالیلری ده حاصل اولیه ظن ایدر، (خندمار)

اکنزا، بو کی خطالری رفای محترم، ضبط قلی مدیریته اخطار ایدبیورل، ذاتاً بولنر، بالطبع افاداتی تغیر ایده جک ماهاته

تصحیحات دکدرک. بالمسک و قتلیه و قوع بولان بیاناتی تامیله تصریح و تصحیح ایده جک سوزلر اوله لری ایجون ضبط قلی مدیری: فلاں

انقادک ضبط جریده سنده فلاں سطرده و قوع بولان سهو، شوصورته تصحیح اولونور، دیه تصحیح ایدبیور. بو کی تصحیحات بایلدنی منتظر عالیلری اولشند. مع مانیه بیوان کرامک مجلس آجادنی

وقت بوراده موجود بولو علاری اصلدر. بیورلری کی، بر جله اول افاداتنده بولونوب ده ضبطک قراوی انسانه لمنزه علیشه انسانی قراوی

امايان بیوانک مؤخرآ تقدرمدت ظرفنده و ضبطلارک انسانی قراوی افادات عالیلری تصحیح ایده بیله جکلری مسئله سی ده حقیقته،

نظامنامه داخلی مسئله سیدر. اونک ایجون هر ض ایتمد که بو ۴۵، نجی

ش او حال فوق العاده اینده حکومتک معروض قالدینه ظن و قبول ایدیکن مشکلات میانه ، پوسته ایشلرینکه ، آباع جد بولدینه کن کی ، حال تدبیب و کشکشده نادینه قبول ایدردا . فقط بر ملکنک سویه مدینه ، اوراده ، سوزلرک ، خابره لرک عزودک ، طاشه مناسنک تعرضاردن ، تجسادردن مصونینک اورده جنی و افراد آزمدنه واقع اولان مناسبات و خابرانک درجه قدسیت و حرمتی ، اک بارز واک مهم مثا اولق اوزره ، کوسترن پوسته ایشلرنه ، هنوز عالم مدینت نظرنده ذمته ایدمه یه چک در رجاهه چکیمک و شایان تأسف بر حال تندی کوسته مکده مصر قایلووز . بونی بکونکی شو مذاکراته اثبات اینکده دو . بو خصوصه کال تأسف و تأثره حکومتک و مجلک نظری بر دعا جلب اینکی ، کندم ایجون ظلم مدینک بزه متوجه اولان نظرلری قارشینه ، بالحاصه شو نازلک زمانلرک ایجاپاتدن ناشی ، اوت اندیلر . کندم ایجون بر وظیفه وجایه بیلورم . (آتشلر واشرکایدیسیورز صداری) تعطیا ظن ایدله ملیدرک پوسته ایشلرینک بزده کی بکونکی تبدی شو وا بو تأثر مسله سیدر .

ش به یوق که بو کونک ناظر بو ایشه دها دون کلدي . بلک ایشلر ماهیتی ، اسکدن منتقل پرولزیخ تمایله قاره ایچ زانی بیله هنوز بولادی . (دوغری صداری) فقط اندیلر ، نظر دقیزی بتون شدت و غایته جلب ایمک لازم کان بر جهت واردکه او ده پوسته اموریتک مدنبر علکه باقیه حق درجه اضباط و انتظامی ، علکت زده ، هنوز بولاماش اولاسیدر . اصل لکه ، اصل شایان تأسف جهت بودر . (دوغری صداری و آتشیش)

رئیس — اندم ، ولی بلک اندی مأمور بلک افاداتی او زریه سوز آدیلر ، صوکه تدقیق ایدم ؛ سؤال تقریرنده اعضا ریه بودر ؛ مع ماشه ، سؤال طرزنده سویله مدلیلر ، مأمور بلک افاداته قارشی بیانات عمومیه بولوندیلر . سؤال تقریرنده مسٹله که کنجه : بو خصوصه فوادیک ، بعض افاداته بولوندی . شیمدی امین عبد الهادی بلکه رفای محترمی ، بوسؤاله قارشی و بولن جواب او زریه بر مطالعه در میان ایده چکلری ؟

سعدالله ملا بلک (طرابلس شام) — قربده بنده کرکده اضمام وارد . فقط بوجا بدن بر شی آلامادم .

امین عبد الهادی بلک (نابلس) — تغرف خابرانده کی تأخران غرب بر سوره نده افاده ایدن حکومت مأموری بلک مشوش افاداتدن ، ظلن ایدرم ، کرک بنده کن و کرک رفتای کرام بر شی آلامادق . بنده کن یا لکر بر شی آلامادم . پکنده رهانل کورمشدم ، بواعلانده دنبلورده که : احوال حربیه دولاییه تغرف خطلری مشغوله . حکومت ، تغرف نظارق ، بوندن دولای مسئولیت قبول ایجز . یعنی بو صورته نظارت ، مسئولیت اوزردن آتیور و آتدلری ایجون آرتق کنیدلریه وظیفه قالمدیغی ظن ایدیسیورل . بنده کن ظن ایدرم که برو وظیفه ایفا ایمک ، یا لکر مسئولیت اوزردن آعنی ولخود بر مکافات

ساز بالجله تغرف اقامه لر تقدم ایدنک کی حال سفر بریده حرب تغرف اقامه لری ، رصدات هواییه تغرف اقامه لری ، طیاره تغرف اقامه لری و ماهیت مستعجله ای حائز ساز عسکری تغرف اقامه لر ، رسی تغرف اقامه لر رسی تغرف اقامه لر ایه ساز بالجله تغرف اقامه لر تقدم ایدرلر ، احکام عسکریه بونی ایجاب ایدندر . بناء عليه بر تل او زرنده کشیده ایدیله چک تغرف اقامه لرده فالق مرتبین بروی بولوندیقه مادون در جباردن برویه صره کلر . خصوصی مستجبل تغرف اقامه لرده رسی تغرف اقامه لر خصوصی وعادی تغرف اقامه لر امر کشیده هه تقدم اینکدن کوره تقدیعا کشیده ایدیلر . شواله کوره عسکری ورسی تغرف اقامه لر لردن صوکه کشیده سی لازم کلن مستجبل یعنی اوج قات اجرتی تغرف اقامه لر خصوصی وعادی تغرف اقامه لر امر کشیده هه تقدم اینکدن بشقه برقح رجحانی یوقدر . بونکه برا بر تغرف اقامه لر ، از دحام وقوعدن ناشی پوسته ایله ایدری بی سوق ایدله لری لازم کلیدی وقت مستجبل تغرف اقامه لر تلدن کیریلر . مستجبل تغرف اقامه لر کیرلر لریه اصول دنر .

احوال حربیه نک تولید ایندیکی موافع دولاییه حوصله کلن جزو تأخرات میتوان کرایمجهده معدور کوریله جکی جهنه کلامه باشلارکن صوک زمانلرده عارضی اوله رق و قوعه کلکده او لدینی عرض ایندیکم بیویک تأخراتک سینی ایضاچه مساعده بیورلماستی رجا ایدرم .

او ، بو تأخرات کن آیک آتیستن طفویزیه قدر شدت تامه ایله دوام ایشی قار فورطه سنک بعضی جهت تغرف خطلری او زرنده ایقاع ایدلیکی خارات عظیمه دن انبیات ایتشدر . تخریبات در سعادتدن آن ااطلولیه دوغری کیدن خطلرک ساحل و شمندوفر کندر کاهنده کی بعضی مناطقند کای بر صورته واقع او لشدر . بولز لجه کیلو مترو مسافتده دیرکلر قیرلش ، تللر پارچالانشدر . قرارکاه عمومینک نظاراتک امریه مهیا طوفانیه مفرزلرک معاوی و مأمورین فنیه نک سی و غریله خطلرک تمیر و اصلاحه و خابرات عسکریه نک مهما امکن جریاتی مکن قیله حق مرتبیده بعضی تلرک آییلماسته موقفیت حاصل او لشدر . آنچق قیشك او لانجه شدیله حکمران او لدینی بوصرده ده . . . (دها بینشونی مصادری)

رئیس — بینریورل اندم ، بینریورل .

فوزی باشا (شام) — آرتق بینشیر ، آکلاشلری اندم .

(آکلاشلری ، بینریورل)

توفیق الجالی بلک (کرک) — شمیدیه قدر بر شی آکلامادق اندم .

سعدالله ملا بلک (طرابلس شام) — افاده لری تغرف خابراته بکزدی .

ولی بلک (آیدین) — مجلسن بحقی صادر اولان بر سؤال

قارشیندنه بونه نظاراتک صاحب اختصاص و مأموره ، دیبه کونردیکی ذاتک بیاناندن مجلجه حاصل اولان تأرك شو کوزه چاربان آجیقیلاني ، نظر دتی ، یاس و تأثری جلب ایمه مش اولس ایدی ،

امین عبدالهادی بک (نابلس) — او حالده ناظر بک افندی تشریف بپورسوند، ياخود باشقة برق کوندرسون. (کورانی)
فیضی بک (دباربکر) — مساعده بپوررسه کنز مسلّمی باشنه بوزمانه تعلق ایدم. اونلرده دها آئی حاضر لانش اولورل؛ و ظاق ایله مجھ او له رق کیلار و بیا و برق جگلری الاصحای طبع و توزیع ایدرلر. او کا کوره بزده جواباری دها آئی بر صورتنه او کرمه نبرز. ریس — افندم، نوط آلمد، افاده ایدیبورم؛ دیبورلر. (ایشیدلیبور، آکلاشیمابور صداری) اینصافت یازلش دکلدر، افاده ایدیبورم؛ دیبورلر.

امین عبدالهادی بک (نابلس) — او حالده یارین ضبطی او قورز. ریس — مساعده بپوررسه کنز افاده رنجی بسته جکل. (کورانی) تلفراف وتلفون اموری مدیری فؤاد بک — تلرک، خبارات عکریه نک تقدیماً کشیده سه منحصر فالدینی و خبارات خصوصیه نک تأثرات عظیمه به دوجار اولدینی کورن تلفراف اداره سی... (کورانی) بحالک اصحاب صالحجه حاصل ایلدیکی سوه تائیری و بوندن متولد شکایتی ایصال ایله مش... (کاف، واژجذک صداری)

محمد فوزی پاشا (شام) — سؤالدن واژجذک ریس بک افندی.
امین عبدالهادی بک (نابلس) — مساعده ایدر میکس؟

ریس — افندم، تقریب صاحیبکر؛ بپوریکر.

امین عبدالهادی بک (نابلس) — افندم؛ بوسوّالن مقصد، هیئت علمی بون ره وقت غائب ایندیرمک دکلدر. مناقشه واپاً اخندیه ده لزوم بقدر. جونک حل حاضرک مناشیه، موانعه مساعد او مادینی بیلیورز. شدی، بو افاده دهن ظاهر آیله برشی آکلامادیغزی بتون آرق داشلر تصدق ایدرلر ظن ایدزم. مقصد، اکر ایش کوردریمک و تلفرا فاما هرک ممکن او لدینی قدر سراغله کیمسنی تأمین ایچک ایسه، او حالده، دین ده عرض ایتدیکم کی، ناظر بک افندی تشریف اینسونر واپساحات ویرسونر. بزده راجعنی تکرار ایدمز. (دوغری صداری) سؤالن مقصد من جواب آلمقدر.

تلفراف وتلفون اموری مدیری فؤاد بک — ظن ایدرم اسباب.... (کورانی)

ریس — فیضی بک، سؤال تقریر نده سزا لدہ امنا کر وارد. سوز سویله بیلر سکنر.

فیضی بک (دباربکر) — افندم، هر حالده بو وریلن جواب بک واضح دکلدر. خفیف بر صدا ایله سویله نادیکی ایجون آکلاشیمابورز. سؤالزک جوان ایضاح ایدلدی...
تلفراف وتلفون اموری مدیری فؤاد بک — حقیقت اینصادر افندم.

ریس — افندم، حسب البشریه سلری آز جیقیور، ایشیدیره مدیورل.
محمد فوزی پاشا (شام) — بک اعلا؛ باشقصی کلوند آکلاشون!..

علوم طالیریدرک تلفرا فاما هرکشیده سی خصوصی ده مختلف صرهیه تابعدر. دولت تلفرا فاما هرکی، یعنی رسی تلفرا فاما هرکی،

ماده ده قالمشدق . بویورک افندم، او قوییکن:

ماده : ٦١ خارجه بالتنظيم كاتب عدلرجه تصدقی ایدیان
اوراقلک درجه موثوقی یالکن ز تاریخ و امضاء منحصر در .

فیض الدین ؟

امانویلیدی افندی (آیدین) — افندم، بو ۶۱، نجی ماده‌ایله
بو ماده‌دن صکره کلن ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، نجی و دیگر مادرل، علن
ایدیرسهم، کات عدل قاتونشاك الا مهم ماده‌لندندر. چونکه کات
عدل قاتونی تنظیم ایتکدن و اونک تنظیم ایتدیک سنداتده بوقدر
کلفت و مشقی اختیار ایتکدن مقصد، او اوراقه بر قوت ویرمکدر.
بو قولک ندان عارت اولوینه، مذکور مادرل الله تعریف ایدلشدر.

لایحه قانونیه، اک اول خارجده تنظیم ایدلش اولان اوراقدن باشلامشدر. «۹۱» نخی ماده‌ده، بوله خارجده تنظیم ایدلش اوراقدن موتوقیت بالکزامضایه منحصردر دنیلوره. بو پك دوغیرد. فقط امضای تصدیقندن باشته دیکر برحالدعا تصور اولوتابیلر وبنده‌گز ظن ایدبیورمکه اوئنکده بورایه علاوه لازم‌در. المده بر سند مادی اولور. صاحب امضایا اولان مديون واخود تمهد، امضاسی کدو ب مقاولات محترلکی دايرسته اقرار ایده جك اولورسه بوند آيسی اولماز. فقط صاحب امضایا باحضور دکلر واخود مقاولات محترلکی حضورنده امضاسی اقرار اینکه ایسته‌میور. حالبوبکه بنده‌گز کورورومک او سندله آدليم مالک باشقصی طرفندن بالا خره جزر ایدلیسی واخود بایع طرفندن باشقصی نامه‌یکیدن بیع ایدبیلسی احتیال وارد. شیمیدی بن حقوقی حافظه‌ایده بیملک ایچون نهایه‌بیلدم؟ یدمده‌کن سندعا دینک تاریخی موتوق دکلر. بناء علیها كره یکی برمشتری چیقارداده‌اومال مقاولات محترلکی حضورنده‌هاتان آلاقچ اوپرسه، اوئنک الندک سندک تاریخی موتوق، بنم المده‌ک سندک تاریخی غیرموتوق اولدیفندن، بیع موثرخ هنچ حقی ابطال ایده جکدر. علوم طالبی اولدیفی اوزره تعطیل تأذیات ایتش اولان بر تجارک تعطیل تأذیات تاریخه تقدم ایدن اون کون طرفندنک مساملات و تأذیات و تمهدانی قانوناتاشه‌بل عد اولونور. بناء علیه بر تجارک ایشلرینک ائی کیتەدیکنی کورورسم المه‌ک سندیتک بر تاریخ موتوقة اقتران ایشني آزو ایده جکم. بونصل اولاچ، اجتنی قانونلرندکه کورلیبورکه بر سند عینی معامله‌ی ایغا ایدرل و کورلشدر، واخود قید ایدلشدر، دیرلر و بر تاریخ وضع ایدرلردى. سندک مقاولات محترلکتچه کورولمیسله نه مندرجاچ و نده امضاسی تصدیق ایدلش اولماز. فقط هیچ دکله او دائزه ایراز ایدلش اولدیفی تاریخ موتوق اولور واو تاریخندن سوکره مورخ اولان سنداتک حکمی اولماز. بنده‌گز بو خوسنده ر تقریر تقدیم ایدبیورم.

اکن فلار تاده سانور ایدیلیورسے مکتو بارع ز و قتنده حمال سه

و اسال او ماسی ایجاد یا در. سانور آیدنیورس، یعنی هیئت اداره منزی خبردار آیتیپورلر؛ بوند باشندگی کرکم اداره مردم پوسته‌ماهورلی جوچ وظیفه سرکل کوستیپورلر و هیچ وظیفه فاری ایفا نمایپورلر. بنده کزده د، فقامت فکم به اشتراک ادمدرک دسوسرك: «ومذاکر ات کافه مدلکار.

ناظر يك کلسون، بزه تأمینات قویه و پرسون. هیچ اولمازه یوندن صوکره، اوروپا مدیتیرانه داخل اولدینغم و قاپیولا سیوناری قالدیر. دیغز بر زمانه عالمک تعریض و ستیدیه او غرامالله. بنام علیه بو مذاکره يك، اهیته بناد، ناظرک حضور به اجرایی ایحون چشمیه کوننه تأثیری تکلیف ایدیسوم.

سالم افندی (قره حصار صاحب) — بنده کزدہ تلفرا فسامه لردہ
تمناک

بر تنها لور بیورم . پوسته چاهان ، بو تغفار افامدل اورزیته « پوسته ایله و روود ایتشدر » دیبه بر تنها باصیورلر . بینده کزه ، بو تغفار افامدل ایله بریکیدر بیورم . بونلاریله ایلر یدمه نظارتنه مراجعت ایده جکم . و بدلا رنخ ایسته یه جکم ، و مرزرسه صلح حکمه سنه کیده جکم : چونکه ، کندی اقرازلریله ٹابتدرکه بو تغفار افامدل پوسته ایله گشدر . مادام که پوسته ایله گشدر . شوحالده بجون ایک ، اوچ مثلی باره آیورلر ؟ اکر .

پو تلفر افتابماری کشیده ایدمه به جاسوس پاره المسوبه . چندنه ،
قره حصار کی ، یاقین برحمله مستحبل بر تلفاف چکیدیرمک ایجون
آدمی کوندردم . قره حصار مناطق حریبیدن دکل . « قره حصار ایجون
واکی ، کون نظر فنده مستحبل تلفاف آلاماز ، جونک کدنه من ،

فقط عادی ویررسه کن پوسته ایله کوندربرز، جواخ و رمشلر.
 بزمکتوب کوندرمنی بیلمزیز؟ ندن مادی برمهکتوب ایچون
 اون اشت. غوش، تغاف بدی و رهوب تلغ افانمی و سته الله

کوندر ترجمک؛ **الحاصل** پوسته و تاغر افغانانه مزداخواهی بوندن عبارتند.
با خاصه شو برایی آی طفر فنهه **پوسته ایله کلشدر**، **تغالی** تاغر افغانانه
او اق بـ **حـمـلـشـدـکـهـ** و نـعـ تـلـقـ اـفـانـامـلـ هـاـنـهـ دـوـسـهـ اـهـلـ بـ وـ .

اوچر پوچه ساره بروج شرکت سازمانی داری و ریزی بر
صورته بر یکدیریدم تلقرا فاما ملک بدالی یا نظارت و بروجک و یاخود
صلاح حکمه سنه کیدوب حقی طلب ایده جکم . بونک ایچون بونله
دانش افه ، مادله افه ، دانه استئمه ، مکه : ناظر مک افده

بر جواب سای ور پیش از آنکه دیگر یافته بودند، اسراب می خواستند
بو سواله بر جواب حاضر لایه رق کاسونر .
رئیس — بو سوال تقریر نیک این قسمیله مذاکره نک کله جگ
نمی خواستند، نه تأثیر فر تکانه اندیشیده که به دست مسئله

پختنی روز و مسکت لایخنی تهییت آیدیمیوروره بود. بر سر
منتمدمند در. بونی هیئت جلیلهدن سورا جنم. بوصورته تأثیر جدا کرده

قبول یا دلخواه آن مادری رسوی .
قابل یا دلخواه اندیشیدن اندیشیدن اندیشیدن .

لرای قانوینه مذاکرانی

— قاتل عدل فرمانده استئنافی پیشنهاد مذکور مسی
ریش — روز نامه‌مند کاتب عدل قانونی وارد در ۹۱۵ نجی

حضور تنه جریان اینک اوزره ، پخشنبه کونه تعلیق بویور له سفی رجا ایده‌جکم . بز ، ماضیده و قوع بولان تصویری ، معاملاتندک تأثیرات و عدم مسایی صوراً جق دکان . بوندن سوکر چالیشه جقلریخه ناظر بک آغز ندن ایشتنک ایسته‌بوز . مأمور بک ، ناظر بک نامه ، بخصوصه سوز وریبورلری ۹

تلراف وتلفون اموری مدیری فواد بک — های های افندم . پیش بک (دیاربکر) — افندم ، واقع اولان سؤالمزه جواب ویرمک اوزره کلن ذات محترمک اعطي الیه‌دکی ایضاحات اوج کله ایله خلاصه اولونه بیلر : قراکاه عمومی مقرراتی ، حرب عمومی‌نک تناهی کی شیلر ، اوته‌دن بزی تین ایش سپیلردر . فقط بز بیلورزکه ، موجود مأمورین ایله ، موجود وسانط ایله بوندن اول ، نامن حرمتله یاد ایده‌جکم ، اوسقان افندی زمانده ، ملکت جدا بپوسته و تلراف اداره‌سی کوردی واکوندن بزکونه قدر نه پوسته نشکل ایندی ونده تلراف ! او ذات ، بز موجود مأمورین قادر وسیله بومعاملاتی اداره ایتدی . کذالک دیون عمومیه اداره‌سی ، یشه ملکتک کندی او لادی ایله ، موجود قادر و ایله و منظم برادره ایله مدنی ملکتاره اولان تسلیلات مثلاً کوزل برادره تأین ایدیبور . بو ، جالیشمک ایله اولور . بوکون ، آوتستیا و آمانیا پوستلاری «ماردین» ، آنی کونه کیدیبور . حال بکه بزده ، سانسور ایدیلش بر مکتبی دلاربکره آمحق یکرمی بر کونه کیدیبور . مقدمماً بزده ، عنی واسطه ایله ، شندوفر اولادیه‌حاله ، دها چابوق ناصل کیدیبور و کلیوردی ؟ شمدي مثلاً ، استانبول داخلنده قاضی کوییدن بر مکتب بز ایله کردی درت واخود او توز آنی ساعته کلیور . بوتلر ، هر حاله ، سوه اداره‌نک تولید ایندیک شیلد . معاملات سیق برسور تنه قوت‌نول ایدیبور سه بولالر اولماز . اوسقان افندی ، پوسته معاملاتندن هر کیم شکایت ایدرسه ایتسون ، پولز اولارق ، دوغریدن دوغری به نظاره مراجعت صلاحیتی ورمش ایدی و هر کس‌ده ، آجیدن آچینه ، تا خر و قوعه مدبکی وقت هان مناجعت ایدر و اسباب اشتکانی کندیسته بیدیردی . بنده کن بک ای بیلورم . بزده تلراف باش مدیری غال بک واردی . او ذاتی بیلمندیکی حاله آقسام راپورلری و پوستلارک انتظامی خبری آلمادقدن نگره نظاردن چیزمادی . بونی بر اصول اتخاذ ایشندی . مقدمماً ، شمديکی وسانط فیه و کرک شندوفرلر و کرکه او تو میلر موجود اولادیکی حاله بیله حیوانلره جر اولونان پوسته‌لار سکر کونه اک اوزاق مساقیه کیدر و منظمه حیوانلری کتیردی . سانسور مسنه‌سته ننجه : بنده کرده شدله سانسور لک علینه‌دم . بودرجه سانسور اولاماز و داخلی قسده سانسور بیرون ۹ بز مکتب‌بیزی سانسور ، عکس‌لار ایکنی دفعه اولارق بخون سانسور ایدیبورلر ؟ بونی صوریبور . اکر سانسور ایدیبور سه ، بولخلاف اصول اولویور و بولخلاف اصول شیئی بزده خبری‌میبورلر . بونی بز حفظ‌در . بز مکتب‌بیز ، هیئت‌اداره من طرفندن سانسور

فازانق ایجون کلکداره . وظیقه اولوینی ایجون ایضاً ایدیلر و احوال حریبه‌چو فال‌بیه بالخاسه پوسته و تلراف نظاره‌ک تزید‌فالات ایته‌ی ایجاد ایدر . شمدي ، بروجوق عاذر سردا ایتیلار و احوال حریبه‌ی ایلری سور دیلر و زده‌دان‌آسأ‌الزده ، بواحوال حریبه‌نک فوق الماده‌لکنی تصور ایتدیکمزی صراحةً بازمشدق . پوسته و تلراف خبار اندنه اورده بطلات شهود در که تکوبلر و تلراف‌امالر ، حق برجوق آرق‌فلاترک اوج قات اجرتی مکوبلاری و تلراف‌اسامیلری کیدوب کله بیور و بواحال ، المزده کی متعدد تلراف‌اسامیلره ، غز نهارله مثبتدر . اکر تلراف خطرلرینک شغولیتی ایباب مشروعه و منطقیه به متند ایده اکر مستحلج تلراف‌افنامه قبول ایچک امکان بوق ایله ، اوحاله هر کسدن اوج قات اجرت قبول ایدرک بولله مستحلج تلراف‌افنامه آلامسو نل . بز ایستادیکمزی و خلق ایستادیکنی مکتوب تعاطیسی ایله تامین ایدر . بونکله برابر شونی ده عرض ایده‌م که بخت ایندکاری بالکن طشره حقدنده‌ز و احوال حریبه دولا بیسیله بولله اولیور . دیبورلر . فقط ، بورادن قاضی کونه برمکتوب درت کونه کیتمدیر . حال بکه کوییدن قاضی کونه اون بش سفر اجرا ایدن وابورل وارد . پکلارده سلطان حامته بز ذاته بز کنکوب بازدم . او ذات ، بکا یازدینی کكتوبک هاشنده دیبورک : پوستلارک حال معلومدر ، جواب یازده‌حق اولور سه کز مکتب‌لاری اوج کون اول یازدیکن و اوج کون اول بسته‌یه وریکر . بزم بسوال قدری وریکن وریکدن مقصدیز ، مواجهه دکل ، بوندن بولله ایش کوییدر مکدن عبارتدر . مأمور بک افندی بعض افاداته بولوندیلر و علناً سویله نهی مناسب کویله‌ن احوالن بخت ایندیلار . اکر مسنه‌ده اسباب سیاسیه بوقه بونلری شمدي علناً بیان اینکاری طلب ایدیبور که بزده اوکا کوره حرکت ایدم . اکر اسباب سیاسیه وارسه بونی ده بیلدری‌سونلار دها دوغربیسی خصوصی‌سادامه حرب اینجنه‌ز . تلراف خبار اتی قطع و تعطیل ایسنونلر .

ریس — بعض ماده‌لر بیان ایدیبورلر . بوکا جواکن واری فواد بک افندی ؟ فقط رجا ایده‌رم ، سوزلریکمزی مجله ایشندیکریکن .

تلراف و تلفون اموری مدیری فواد بک — مستحلج تلراف‌افنامه ...

سمید افندی (مموره‌الزیز) — رجا ایده‌رم ، ینه کاغنده باقب او قمه . (خندمل)

تلراف و تلفون اموری مدیری فواد بک — اوت ، مستحلج

تلراف‌افنامه بعض ملکتاره قبول اولو نهاز . از جله انکاره‌ده مستحلج تلراف‌افنامه اصولی بوقدر . حرب مناسبه اداره‌لک بغضبلری

مستحلج تلراف‌افنامه قالدیر دیلار . مستحلج تلراف‌افنامه ایاند تلراف‌افنامه

قدر فائده‌سی وارد . چونکه عکس‌لار خصوصیه هائند تلراف‌افنامه

پوسته‌یه وریلریکی حاله بونلارک مستحلج اولاناری ترجیحاً و تقدیماً کشیده ایدیبور . عرض ایتدیک کی ، بونک یکانه منزی بوندن

ubar تدر . باشقه بر منزی بوقدر افندم .

امین عبدالهادی بک (نابلس) — بو مذاکره‌نک ، ناظر بک

اوله - ذاتاً تاریخ آنچه صرور زمان مسئله‌ستنه موضوع بحث اولور - عیا کاتب عدلك تاریخ تصدیقی صرور زمانه مبدأ اولادج، یوچه متن سندکه تاریخی مبدأ اولادج؟ اگر مقصود بواسه بو، قوانین عمومیه من ایله حل اولو نش برسنلدر، مادام که طرفین کلوب کاتب عدل حضور نده اوستنک حکمکن ذهنترنده متبر اولدیفی تکرار اقرار ایدیبورلر، بو، صور زمان ایچون کافیدر. اسکی تاریخی تصدیقه و با خود عدم تصدیقه بیلدم که نهمنا وارد و نه حکمت آزادیبور؟

آرین اندی (حل) - بالکن صرور زمانی، یوزیک درلو حاده وار.

فواذیک (دیوانیه) - بنده کنز ظن ایدرم که تاریخ مسئله‌سی، مطلق صور نده موضوع بحث اولدینی زمان، صرف صرور زمانه بخته تعلق ایدر. اوندن باشته خصوصانه مثلاً: امور جزاً ایده قریه و سند رسکی کی خصوصانه سند رسینک ذاتاً قیمتی بوقدر. او، حکماک قاتعیدر، دیکر خصوصانه هیچ فرض و تصور ایچیبورم که تاریخ صرور زماندن غیری بر خصوصه تعلق ایشون، صرور زماندن باشته فائدی اولوسون. بونی قطیعاً ادعا ایدرم، ممکن دکلر. بناءً علیه ظن ایدیبورم که خارجه تسلیم اولونوب ده کاتب عدل حضور نده تصدیق اولو نان بر سندک حضور نده کی تاریخه و او سنده چوچ اهیت و رومه مل بز و قیمتدار و قمزی بونک ایچون اسراف و اضاعه ایتمیل بز. اصل بونهاده که «تاریخ» لفظی، کاتب عدلك کنندی تصدیقه الحق ایدنیکی تاریخنده او تاریخک صورت وضعنی ده قانون تین ایدیبور و دیبور که: او تاریخی سندک آلت هم رقم ایله واژه‌یق و مهده تحریر آ، یعنی حروف ایله تکرار ایده‌جک. او تاریخی مضبوط طویق بزم ایچون مقصودی تأیین ایدر. مروه‌نام بوندن عبار تدر.

آرین اندی (حل) - بنده کنز بوماده حقنده سورزی‌هایمک ایسته‌زندم. چونکه، کنندی فکر مجھ، مکمل بر ماده‌در. فقط تاریخ مسئله‌سی میدانه کلدر. فواذ بک بیوری ده: تاریخ مسئله‌سی صرف صرور زمانه تعلق ایدر، صرور زمانه موضوع بحث اولور. حال بونک تاریخ مسئله‌سی اوزریه تفری ایدن بیکاره حاده وار. فرض ایده که بر مال حقنده بربی کلدر، استحقاق دعواستنده بولوندی، برده سند ابراز ایدتی. او سندک بر تاریخی وار. واضح ایدکده اللده بر سند وار، اونکه تاریخی وار. شدی واضح ایدکه اللده که سندک تاریخی دیکر سندک تاریخنده مقدم ایسه طبیعیدر که او ایکنی سنده اعتبار ایده‌جک، چونکه بیع ثانی باطلدره برخی سنده اعتبار ایده‌جک. فقط بوسندر غیررسی اولوره، بوندک مواسمه اولق احتمال وار. مؤخرآ تنظیم ایدبلن بر سنده مقام تاریخ آیله‌سیلر. شدی اگر واضح ایدکه اللده که سندک تاریخی مؤخر ایته او عحق عد ایدیبله، دیکر سندک تاریخنده اعتبار ایدلز. افلاس مسئله‌نده برا آلیش وریش اولور.

ایدیبلیکنی آکلابیورم. دین صرض ایتمدک: بر ورقه کاتب عده کتبر ایدر اونک صوری تصدیق ایدیبلوبده اصلی اعاده ایدیبله‌جک اولور سه کاتب عدل، طرفن جانبدن ورقه زیرینه موضوع اولان تاریخی تصدیق ایتیز. یالکز، بزه بوله بروره کتبر ایدی، صوری حفظ ایتدک، اصلی اعاده ایدیبورز؛ دیر ویاقداری مین اولان شرطک زیرینده بر تاریخ وضع ایدر. بوقاریه، دوغری بین دوغری به کاتب عدلك ایچی اولدینی بمقابله نک موثوقیتی، دوغری بین صورت زیرینه وضع ایدلش بر تاریخندر و بوقاریک، یعنی دوغری، بوندن اولک ماده‌هه تعلق ایدر. چونکه کاتب عدلك رأساً وضع ایتش اولدینی تاریخک خلافه یه استیاع جائز دکلر. آیین، ساخته‌لکی ادعا ایدیبله‌سیلر. اونک ایچون اوستنک زیرینه اضافه‌وضع ایله موثوقیتی تصدیق ایدیبلر، دیهدم که او تاریخک درجه موثوقیتی مسئله‌سی موضوع بحث ایدلشون. بناءً علیه ایکی اصول واردر. یا کاتب عدل رأساً بر معامله پاپز و باخود یا پیامش اولان بر معامله‌نک فیزی تصدیق ایدر. کاتب عدل رأساً بر معامله پاپرسه او معامله بر معامله رسیدر و او معامله‌نی ناطق اولان ورقه اعلام حکمی جائز در. نه کم بوندن صوکره کله‌جک ماده‌لارده بوضو صده احکام خصوصی محتویدر. سند خارجه با پیلاجق اولور سه بونک زیرنده که تاریخ ایله امعنا کاتب عدل طرفدن وضع و تصدیق ایدیبلر و موثوقیت دوغری بین دوغری به بو تاریخ و اضافه معطوف اولور واو تاریخ ایله کاتب عدلك شرحی زیرنده که امعنا آرم‌سنده بر مناسبت بولو نامق اعتباریله هر ایکنی حقنده عینی حکم ویرملک لازم کلدر. بو نقطه نظر دنده تصريحه ازوم بوقدر.

ماده‌دهک «درجه موثوقیت» تصرینده که «درجه» کامنکه حذف نقطه‌سته کلنجه: بوضو صده بردیبه‌جک بوقدر. هیئت جلیله ناصل تقدیر ایدرسه اوله اولور.

فواذ بک (دیوانیه) - اندم، بنده کنز بوراده مسئله‌یمک چتال‌الاشدی کی کوریبورم. بک اندی حضر تاری حبوریدارکه: مقاولات محربه ابراز اولو نان سندات ایک درلور. بونی: خارجه تنظیم اولو نش، صوکره مقاولات محربه‌که ابراز ایدلش، یعنی خارجه تنظیم اولو نان سندک تاریخی و اضافی تصدیق ایدیر لک ایسته‌لش. ایکنیجی، سندی کاتب عدل تنظیم ایتش و آننه تاریخ و امعنا وضع شدی بوندن آکلابیوره: برخی شکنده کاتب عدل، خارجه تنظیم ایدلش اولان سندک اضافی تصدیق ایدنیکی کی تاریخنی ده تصدیق ایده‌جک و او تاریخ، بر حکم قانونی بی تضمی ایدن تصدیق سفت و ماهیتی اکتساب ایده‌جک. ایکنی شکنده ایسه کنندی وضع ایتدیکه تاریخ کنندی تصدیق‌نک تاریخندر. شدی اگر کاتب عدل، خارجه تنظیم اولو نجق سندک، اضافی کی تاریخنی ده تصدیق ایده‌جک اولوره بونک تیجیسی تدر؟ بنده کنز ظن ایدیبورم که او تاریخ، کاتب عدلك آشن اولدینی تاریخه مختلف

ایدیبورم ... برگه اولیدنی ایجون تمدیل‌نامه ویرمیورم . اکر ایستاده کن تقریر تقديم ایدیوم . بن ظن ایدیبورم که برگه‌ایک بر تمدیل ایجون تقریره حاجت یوقدر .

اماونیلیدی اندی (آیدین) — دیبورلرک «تاریخ موضوعات نه قوی حائز اولاًجفی بوراده بیانه لزوم یوقدر . جونک زیرنده مقاولات محربینک امضای وارد .» ای با ، اکر تاریخ ایجون بوقیدک علاوه‌سته لزوم یوق ایسه امضای ایجون دلارزوی اولایه‌جقدره زیر امضاده مقاولات محربینک امضاسیله تصدیق ایدیلشدر . بورقه‌دهک اضافاتک مقاولاتچه تصدیق ایدیلستنک نمقوی حائز اولاًجفی نصل بوراده تصریح ایدلش ایسه مقاولاتچه وضع ایدلش اولان تاریخنکه موثوقیتی بوراده ذکر ایدیلیلدر . من لایمده کوریلن «درجه» عبارتی مقدنه رفیق محترمه متفق . بو «درجه» سوزنیک معنای یوقدر . طی ایدلمسی اقتضا ایدر . سوه تفسیره میدان و برهیله‌جک اولان دیکر بر نقطه قالدی . خارجه‌سته تسلیم ایدیلوب کاب عدل طرفند امضاسی تصدیق ایدلش اولان برسته هادینک موثوقیتی شوماده که تاریخ و امضایه منحصر دره بندکه کن بوندن بر آی اول تسلیم ایدلش اولان برسته هادینک امضاسی بونکن مقاولات محربنکه تصدیق ایدیرمچک اولور ایسم امضای مصدقه رفیق تاریخ موثوقدر . هانکی تاریخ «تاریخ تطبیقی دل ، تاریخ تصدیقی موثوقدر . بو قیدک علاوه‌سی لازمدر . موکره ایکی سنه اول تسلیم ایدیلوبده بو کون تصدیق ایدیلن برسته کاریخنی آنچه بو کوندن اعتباراً موثوق اوکور .

امور حقوقیه مدیری عبدالرحمن منب بک — اندم ، کاتب عدللرک خارجه‌سته تسلیم ایدیش اولان اوراقيق تصدیقی خصوصنده تمیب ایدنکلری اصول ، غایت بیسطر . ایکی کشی برسته تسلیم ایدلر ، کاتب عدل حضورنیه کلدرل ، سندک مآل و مندرجاتی ایضاخ و تکرار ایدلرل . ایجاب و قبول وارسه او ، عیناً تکرار ایدیلر و ماقden ، کاتب عدل حضورنده بوونک زیرخداه امضای ایدلر ، تاریخ و وضع ایدلر و بوده تصدیق ایدلرل . بناءً علیه کاتب عدل ، سندی دوخریدن دوخری به بالذات تسلیم ایش دکله‌ده هادتاً کنید حضورنده تسلیم ایدلش کیدر و مآل طرفین جانبدن کاتب عدل حضورنده عنایتکرار ایدلشدر . اوئنک زیرنده که تاریخ ، اکر کاتب عدل حضورنده تقریر ایدلیکی کوندن مقدم بر تاریخ ایسه ، کاتب عدل بون تصدیق شرحته آریجیه علاوه ایدر و بوکون طرفین حضورنیه کلدری ، عقدی و تصدیقی تکرار ایدنی ، بزده تصدیق ایدیبورز ، دیر و بوجه‌ده تصریح ایدر . فقط عمومیت اعتبارله بواتریخ ، کاتب عدل طرفند تصدیق اولوندینی کون وضع ایدلش اولمله کاتب عدلک وضع ایستدیی تاریخ ایله سند زیرنده که تاریخ عیقی کونک تاریخندر ، دیسه اوفی آریجیه تصریحه حاجت یوقدر . فقط تاریخنده تقاؤت واره اوئنک تصدیق شرحته تکرار ایدلمسی ایجاب ایدر . بناءً علیه ماده‌یه بوکا ماند آریجیه تصریحات در جنه لزوم یوقدر .

موکره ، دین عرض ایمک ایستدیکم بر نقطه‌نک سوه تفهم

عدلیه ناطری نامه امور حقوقیه مدیری عبدالرحمن منب بک — سندات خصوصیه تاریخناری ، تطبیقاتنده اهیت فوق العادیه حائز بر میثادر . بناءً علیه اماونیلیدی اندی حضرت‌تلریشک تاریخنکه

عند الاجباب موثوق عد ایدلمسی مقدنه که کونک زیرنده غایت مقول بر تکیشدر . فقط بشه کونک ظن ایدیبورم که المزده بولونان لایحه قانونیه اساساً شوتاریخنی توثیق ایده‌جک اصولی ده احتوا ایدیبور . بوندن اول مذاکری کیش اولان «۵۴» نجی ماده وارد . ۵۴ نجی ماده‌ده ، کاتب عدل طرفند تصدیق ایدلمش برسته کاتب عدل بر صورتی و بر لکش طبله صورت مصدقه‌ستن استحصل ایدلمسی امکان اولدینکن بخت ایدیلیلور . ماده عیناً دیبور که کاتب عدللرک داده‌لر نده محفوظ و مسجل اولایان هروره میزه نک صورتی طلب اولوندقدنه اول امرده ورقه مذکوره نک بر صورتی میزینه امضای ایدلیلهرک حفظ ایدلکن صوکره صورت مصدقه‌سی و بر لکه جکدر .

دیک اولویور که انده اولان برسته کاتب عدل کتیرلر ، کاتب عدل اونک بر صورت مصدقه‌سی حفظ ایدر تصدیق ایدر ، اعاده ایدر . بواسطه ذنناً قانونه موجود اولق اعتبارله یکیدن بواسطه اخوازنه محل یوقدر ظن ایدیبورم .

اماونیلیدی اندی (آیدین) — اصول تکلیف ایدیبور افتدم . امضای تصدیق ایجون بولاچمه‌ده بواسطه وضع ایدلشدر . تاریخ ایجون ده اصول وضع ایدلش اولدینیکی امکونیک علاوه‌ایدیبور . بندکه کزده بوراده بواسطه وضعی تکلیف ایدیبور . یالکز اصول موضوعی موجنجه تصدیق ایدیلن امضای وضع ایدیلن تاریخنک نه قوی حائز اولاًجفی سؤال ایتم . تقریرمکه ده موضوعی بوندن عبارتدر . «تاریخنکه وضعی تکلیف ایدلشک موثوق اوپلایسر ، امضانک تصدیقندن مقصداً بالکز امضانک موثوق اوپلایسر . مندرجاتنک موثوقیتی دکلر .» قاعده‌سی لایمده تصریح ایدلشدر . بناءً علیه تاریخنک وضع ایدلهمستن حاصل اوله‌جق تیجه‌نک تاریخنک موثوقیتی اولوب مندرجاتنک موثوقیتی اولادینکن کذناً بوماده‌ده صراحةً ذکر ایدلمسی لازمدر .

امور حقوقیه مدیری عبدالرحمن منب بک — اندم ، کاتب عدل ایزادلوبده صورت مصدقه‌سی اخذه اولونان اوراقيق تاریخنک درجه موثوقیتی آریجیه ذکر و اراده لزوم یوقدر . چونکه اراده کاتب عدل طرفند ویرلش اولان صورت زیرینه موضوع اولان امضانه رأساً کاتب عدل طرفند وضع اولونش بر امضادر و اونک موثوق و معمول اولاًجفی بوندن اول کیش ماده ایله متضدر . آریجیه توضیحه حاجت یوقدر .

فؤادلک (دیوانیه) — اندم ، بندکه کز بوماده‌ده بالکز «درجه» کلمه‌سی زانک کوریبورم . درجه موثوقیتی تغیرنده کویا بوموثریتک بر مراجی واردده بو فلاحیه درجه‌در کی برشی آکلاشیلیور . بناءً علیه بو درجه «سوزی نایمحدار .» ... تصدیق ایدلر اوراقيق موثوقیتی ، دنیله‌سی و «درجه» سوزنیک قالدیر ماسی تکلیف

خاتمار فیض محترم تکلیفلاری، انجمنک تعقیب اینکده اولدینی ظایه بی پوس بوتون اخلاق ایچیور. رفق محترم دیبورلک : تبلیغات کاتب عدل طرفندن ایها ایدیلیر. بو، اساساً قانون نقطه نظرندن موافقینی صورت قضیه‌ده تعین ایتك لازم کلن تبلیغات حقدنه مقصدى تأمین ایدیبور. دیگر خصوصاًه کاتجعه : بین التجار جریان ایند معملاًت او قدر سرعاًه جریان ایدرکه بعضی بازمه به بله وقت قالماز. تاجر، بر مشاهی وقت وزمانیله معامله صرمندنه اخطار ایتش اولدینی اداها ایده بیلیر و او ادا اوزرنه بر حکمده ترب ایده بیلیر. حل بونک بوقانون اوفه نه ایدیسور. بناءً علیه دوغری دکادر. در حقیق محترم زک تکلیفلاری دارم‌ستنده‌هه تک لایه اولنوره شکله‌ده تدبیل حقیقت روح قانونه توافق ایدیسور.

آسف بک (وان) — افندم، بو «۶۳» نجی ماده کاتب عدل

طرفندن رأساً تنظیم ایدیلان دین سندی اوزرته تأییده دین ایدلرسه کاتب عدل و اجرا دارمی طرفندن پایلاحق معملاًتندن باختن. بونی ولی و تقبیب ایدن «۶۴» نجی ماده‌ده بر مقاک ایچار و استیچارهه متلق مقاوه اوزرته خاتم مدنده ستّاجر، مأجوری تخلیه ایتزه پایلاحق معملاهه داژردر. بونلرک خارجنده باشقة اوراق و وثائق، کاتب عدل حضورنده، تنظیم ایدلیکی حاله بوكاداژر بر بحث يوقدره. بوندن باشقة «۶۳» نجی ماده‌ده، مدييون طرفندن تسلیمات و وثائق اعداسته بولنیلوبده این اجرا رسی طرفندن حل ایدلهه مدعیکی حاله مکجه جل جهی کوستیلیور. تسلیمات و وثائق معملاهه‌سندن باشته ابراده اوله بیلور. بونک ایجیون کرک دن سنداته کرک ایچار مقاوه‌هه‌مانه سه و ساڑ اوراق و وثائقه شامل اولق اوزر «۶۴» نجی ماده‌نه کی طی ایله «۶۳» نجی ماده مقاشه قائم اولق اوزر بر ماده تکلیف و هیئت جلیلیه عرض ایدیسورم : «کاتب عدلل طرفندن رأساً تنظیم ایدیلان و طرفندن برشک تعهدیه ضمن ایدن وثائق و اوراق و سندات بلا حکم قابلیت تشفیه‌یه بی خاچ اوروب داینک اجرا دارم‌سته و قوع بولاق مراجعی اوزرته اعلامات حقدنه جاري اولان اصوله و اجرا قاتو احکامه توافقاً افزا اولنوره، شو قدرک سندات مذکوره‌نک مندرجات تفسیره محتاج کورولیک و بامدیون طرفندن داینک ورمش ویامضا ایله‌مش اولدینی تحریری بر ویچه ابرازی ایله شایان قبول بر دفع دریان ایدلیک و داینک دفع واقی انکار ایتدیکی و باخود حکم مقاوه‌هه تک قابلیت اغذیه‌یه قلامدینی قدریده عکمه ماده سنجه محله اولو عجیه قدر اجرا تاخیر ایدیلور.» چونکه اجر افانتنده دخی بومادهه موجو داولنی کی بومعامله‌ده اجرا دارم‌سته عین سورته بایلیور. بونک ایجیون کاتب عدل طرفندن پایلان تبلیغات اوزرته اجر اداهه ماردن بصیری قبول اتعه بیلوره کندیلری ده آیریمه تبلیغات بایلیور. موکره صلح عکمال‌نده صلح حاکمی ده، عینی سورته معلمه بایلیور. بورزدهه محل قلامق و انتقام معاامله‌یه تأمین ایتك اوزر، بوماده‌نه قبولی هیئت جلیلیه عرض ایدیسورم.

امور حقوقی مدیری عبدالرحمن منب بک — افندم، عاصم خارجنده تعاطی ایدله جک اولان تبلیغات بمنزله بیکر بر مامور رسی و سلطنتیه تبلیغ ایدله‌یه قانوناً عجیوره. نه کم ضرر وزبان ادعای دریان ایدلک ایجیون اصول معاذه حقیقتکه فصل مخصوصه تبلیغاتک رسماً و قوی کیفیتی قانوناً تحت عجیورهه آتشدر. فقط بونک خارجنده بعض تبلیغات وارد رکه طرفین او نک شکل رسیمهه اجراسی آزو ایدرسه اوکا بر مقام، بر صریح کوستنک لازم کلید. ایشته بو ماده‌ده مرجع و مقام او لوک اوزره کاتب عدل اراهه ایدیلور، قانوناً اجراسی تحت عجیورهه تبلیغاتک بر شکل رسیمهه اجراسی طرفینجه آزو ایدلیکی حاله بونک اجراسی ایجیون منحصر آ کاتب عدلهه مراجعت ایدلسون؛ دیلور. ظن ایده‌رکه اماونلیدی اندی طرفندن دریان ایدیلان تکلیف، هم عجیوری اولان تبلیغاتک بنه قوانین مخصوصه‌یی داژرسته و قوی و هم ده عجیوری اولایا بده طرفین جایبندن بر شکل رسیمتهه اجراسی آزو ایدلک تبلیغاتک منحصر آ کاتب عدلل طرفندن اجرا ایدله‌یه لازم کله‌جکنی کافل بر تکلیفسه. حکومت، بو تکلیفه اشتراك ایدر و نظر انتباره آتمانیه رجا ایلر.

ریس — اماونلیدی افندیتک تدبیل‌نامه‌یی او قویام افندم :

تمطی اوله‌جع تبلیغات کاتب عدلل طرفندن ایقا ایدیلور.
آبدین میوونی
اماونلیدی

فؤاد بک (دیواره) — «کاتب عدلل» تسبیه حاجت بوقدر افندم.

ریس — یعنی ماده‌نه نهایی بو تدبیل دارم‌سته اولاچق.
اماونلیدی افندیتک تدبیل‌نامه‌یی نظر انتباره آلانر لطفاً قالدیرسون؛ نظر اعتباره آتشدر افندم.

ماده : ۶۳ رأساً تنظیم اولنان دین سنداتک و عده‌یی حلول ایتش و مدیون برجات بولش اولدینی صورته داینک طبلیله کاتب عدل طرفندن سکز کون طرفنده تسویه دین ایشی لزومی بر قطمه

رئیس — اوقوییکز افندم :

خوازجہ بالتنظيم کاتب مدالرجہ امناسی تصدیق اولان و باخود تاریخ وضع
ایران اور افکر بالکر امناسی و داڑمہ وضع ایدبلن تاریخی متوفیر «
صورتنه ماده‌نک تدبیک ایدرم . آیدین بیرونی
اماونلیدی

رئیس — بو تعییناتمه‌ی انجمن ایستادیور . بناءً علیه انجمنک
طلی و جهله ماده‌ی بو تعییناتمه‌ی ایله بر ایله انجمنه اعاده ایدیبورز .
انجمن ، درجه « کامی حقده‌ک فواد بک افدينيک تکلیفی ده
طیبی نظر دقه آلیه .

ماده : ۶۲ بر تهدید وبا مقاوله خصوصه احکامنک تأثیر وبا
عدم اجر استدن وبا همانک بر سیندن طولای تعلیم اولنه حق
تبیغات کاتب عدل طرفدن ایقا ایدله‌دکه قاتونا معتبر او لماز .

اماونلیدی افندی (آیدین) — افندم ، واقعه محکمه خارجندک
تبیغات رسمی اولنق ایستادیکی تقدیرده مقاولات محركی طرفدن
تصدیق ایدیلر وبونک بوراده ذکر ایدلش اولاسی پک دوغری بدره .
 فقط ، ماده‌هک « ایقا ایدله‌دکه قاتونا معتبر او لماز » عباره‌سی
بنده کثر قبول ایچیبورم . چونکه ، بعض تبیغات ، خصوصی ده
او لسه ، موافق او لماز ، فقط معتبر اولور . مثلاً بن ،
پوسته ایله برسنه برشی تبلیغ ایدرم . بو ثابت اولورسه
وقاین عمومه موجبیه معتبر ایله بوكا چون معتبر دکلدره دیهم .
بر شی شفاهاده تبلیغ اولونایلر . اکر ، قاتونا بیتلیغ معتبر او لسه
نعدن معتبر دکادر ، دیهم . بنده کثر ، ماده‌هک « ایقا ایدله‌دکه
قاتونا معتبر او لماز » عباره‌سی بورنه بالکر « ایقا اولونزوره » دیلمعنی
وبوقره‌ه اکتنا اولوناعنی تکلیف ایدیبورم . اوته ، رسماً تبیغات
اجرامی مقاولات عمریتک وظفیه‌سیدر . فقط او ندن غیریسی معتبر
دکلدر ، دیکه دوضری او لماز .

آسف بک (وان) — من جمع رسمیدن صادر او لیلان تبیغات
معتبر او لاما یه حقدن ،اماونلیدی افندینک تکلیفلری غیر وارددر .
ماده‌نک عنیا قبولی رجا ایدیبورم .

آرتن افندی (حلب) — اماونلیدی افندی ، بوسنله‌ده ثابت
حقیلدر . مثلاً بر آدمک ایجاده بر دکافی اولور . اجاره‌سی آرتدریم
ایست . ایکا بزمکوب بازار و دیره « بن دکاغک آیانی بو تاریخدن
اعتباراً درت یوز غر و شدر . ایسترسک او طوره ، ایسترسک او طوره »
ایشتبوه بر سلیماندر . مجله حکمتنه ، او آدم یا اوی قبول ایجهلی و باخود
دکامن جیچیلدر . سکوت ایدرسه سکونی ده قبول صایلر . شمدى
بو تبلیغه ، کاتب عدل طرفدن تبلیغ ایدله‌ی ایچون غیر معتبردر و
دیکه دوضری دکادر . بو ، بر جوچ مساملانی ابطال ایکه دیکمدر .
چونکه بو کی بر جوچ مسائل وارد . بناءً علیه اماونلیدی افندی
اعتراض نده تمامًا حلیلدر .

فؤادبک (دیوانیه) — بنده کزده عنی ادعای در میان ایده جکم .

دور لرکه بوند ، مقلسک عاجز اولدینی زمانه پسلشد ، دیکر لری ده .
خایر ، اوله دکل ، دیرلر . ایشنه سکا بر ایش برمیشه . سندل میدانه
چیقار . اکر تاریخ مصدق ایسومقلسک ایفای دیندن عاجز اولدینی زمانه
تصادف ایدیبورسه اوکا کوره او تاریخه اعتبار ایدلر . فسخ ایدلر .
بناءً علیه تاریخ مسلسلی غایت اهیتی بر شیدر و ماده‌ده متظاهر .
قوانی تکلیف ایدیبورم .

فؤاد بک (دیوانیه) — بنده کزده ایک سوز سو بولیه جکم .
آرتن افندینک بیور دینی شلدده مرور زمانه مانددر و مرور زمان
مسئلندن خارجہ چیقادی . ایک مثال کوستردیلرکه بونلاره مرور
زمان مائلندندر . ذاتاً تاریخ زمانی بیلدرن بر شیدر . تاریخ بوندن
پاشه هیچ بر شیده موضع بحث او لاز . اساس مسنه بودر . صوکره
زمان رسماً ایله ، یعنی قطبی رسمی تینین ایدن زمان ایله طرفین بیننده
بولونان زمان آزمونه ، طبیعتکه فرق وارد . او فرق ده کاتب
عدلک وضع ایده جکی تاریخ لهنده او لارق ثابتدر . مسنه بودر .
بناءً علیه درجه « تصریحات رفقیه ماده‌نک قبولی تکلیف ایدیبورم .
اماونلیدی افندی (آیدین) — اختلافز پاشه نقطه لرده او لجه
بر ایله که امور بک افندی به کل در حق محترم فؤادبک افندی به قارشو اعزاض
واردر . مأمور بک افندی ، خارجده تنظیم ایدله‌لچک سندات بو به تنظیم
ایدیلر وقوی ده بودر . دیدیلر که پک دوغری بدر . بوسنلارک ، بیور دقری
کی ، تنظیم ایدله‌یکنی مواد ساقده کوردک . قطبوا اوراق و سندات
قوتنکه شویله و با بوله اولاچنی ، کننده‌یک بیلدریکی کی ،
بنده کزده کرده بیلک ایستیبورم و بونی بیلک ایچون ، او قوکت بوراه
درج ایدلک لاز کلیدیکی آزو و ایدیبورم . کننده‌یاری بوضلک سرلوحمنی
اوونو غاسنلار . فصلک سرلوحمنی « سندات رسیمه نک حکم و قوی
بانشده در » بناءً علیه خارجده ، کننده‌یک بیور دقری کی ، تنظیم
وتصدیق ایدلش اولان سنداتک حکمی و قوی ندن عبارتدر ؟ ایته او ،
بوراده یازیلا جقدر .

تاریخ مسلسله کنجه : رفق محترم بک افندی حضرتلوی
اوونتیبور لرکه بوراده تاریخ مسلسلی بوقفر ، تاریخک موثوقیت مسلسلی ،
سندک اشخاص قالله به قارشی هانکی تاریخنده موافق عد او لونه جنی
مسلسل وارد . بونک مرور زمان مسنه سیله قطبی هیچ بر مناسبی
یوقدر . تقریری ده وریبورم .

رئیس — تقریری لطفاً اوقوییکز .

آسف بک (وان) — کرک اماونلیدی افندینک تقریر سک
و کرک ماده‌نک ، مآلری تدقیق ایدلک او زرمه ، انجمنه تو دینی تکلیف
ایدیبورم :

رئیس — تقریری او قوه‌له ده سطه کسون .

شفیق بک (بایزد) — تقریرک مائندن بحث ایدیلر .

طرفینک رسماً حضور مقاولانه اقرار آیندهای شدیدکاری اجرائی
پلاکم قبول آیدمیابدز . فقط طرفینک مقاوله آیندهای شدیدکاری ، یعنی
مقاؤلهه موجود اولایان وابیو شنندن استخراج آیدمهایمن موادی
مجلد احکامی وارهن حقندهکی قوانین سازمیه توافقاً اجراییک و بواسه
استناداً رهنی ساعتی مقاولات محربنک واجرا مأموریتک سلاحتی
خارجندهدر . طرفینک مقاولههی خارجنده بر حکمه کریشک ،
آخریت حاکم هاذدر . بوبکی تطیقات قانونیه ، کرک احرما مأموریتک
وکرک مقاولات مأموریتک وظیفهسی خارجندهدر . بناءً عليه بوماده نک
بوقطهدن طی لزومیه بنده کرز عرض آیدیسیور .

امور حقوقی مدیری عبدالرحمن متین بک - اندم ، اوبلدهد
هر من اینتم که ، دفع محتوی اولان سند ، کاتب عدل طرفندن رأساً
نتیجه ایدلش اولونجعه ، اوستنک اعلام ماهیتی حائز اولاجنچ بوندن
اوبلک ماده لرده قبول ایستدک . اعلام ماهیتی حائز اولان سند ، داره
اجرایه ابراز اولو نورسته ؟ تایپلر ؟ اواعلامک احثوا ایتش اولدینی
دیشک اصولاً تحسیله ثبت اولونور . بو تخلص صرسنده بالطبع
مدیونک امواله صراجت ایجاد ایدر . مدیونک امواله صراجت
خصوصنده ، اوبلری هجز و فروخت ایچک ایجون آبریجه بر عکمه به
کیدوب قرار استحصلی لازمیده ؟ لازم دکلدر . اساساً معیوبون طرفندن
رهن و تأثیبات اوبلرق بوله ازانه ایدله مش برمالي ، ابرا داره مسی
لازم الاجرا ماهیتی حائز اولان بر سنده بناء ، دوضریدن دوضری به
هجز و فروخت ایده بیلریسه ، مدیون طرفندن داینه تأمینات
اوبلرق ، زعن اوبلرق تودع ایدلش بر مالی هجز و فروخت
ایده بیلک ایجون بوندن بر عکمه که حکمه ، اعلامه یکین احتجاج
حاصل اوبلسن . ظن ایدرم که و ، پک منطق و پک مفقول اوبلز
بو سیلیدر که طرفنکقاووه منه برونه داین طرفندن
فروخته داڑ صلاحیت ورلش اولامه بیله ، مادام که اوونک
مرهونیتی سندده مندرجدر ، مرهون اوبلینی محققدر . قانونک بخش
ایچک اوبلینی حق امتیازی حائز اوبلرق ، بدلندن استیغای مطلوب
طرفندن رأساً تنظیم ایدلش اولان سندک موقع اجرایه وضن متاف
مرهونک بالاحکام سایلماسی تغییر ایچک غایت مفقول و متفقیدر .
قسم اولاسته کنجه ، یعنی اساس اعتباره مرهونک داین طرفندن
سایلماسی شرط اوبلرق سندده کر ایدلش ایده ، بوشرطک صورت
عطلفهده محتر اولاجنچ بنده کرز هرض ایقادم و اوخوسه ده یا مانده
بورو غنمه ده لزوم کورمه ، جونکه بولٹ محل ایضاش شهدی دکلدر . زم
محمد من ، احکام اسایه من موجنبه ، بور طمعنده میدر ، دکلدر ، مسنه مسی
آبری بر مسله دار . هجز حفته ، فواد بک اهندی طرفندن در میان ایدلین
اختار اش اهندیه ، معلوم طایلر در کز موقونه من موجنبه هونکه ،
اطلاقناصره تهنک النده بولو غاسی شرط ظاهر . بر ماله من ایدلکدن و منه
تسلیم اولوندن سوکره سرتین ، مرهون راهه اعاده ایده بیلر .
سیاهه هله منشک حکم ، موفر اجرایه وضن ایدلهاشک زمان مرهون ،

رأى تنظيم ايدلش اولیق اعتبارله، کووا اوبدن حقنده بور حکم وارمش کې او سند، بلا حکم قابیت تئیندەنی حائز او له جى کې او دی توپق ايجون ورلشن اولان رهن ايجون ده آيرىچه بور حکم استحالى حاجت قالمقىزىن بوماده قانۇنداھە مسطور اولان شەرتلەك اباھى مېھرىپىلە بىراپ اجرا مامورىتك دوغىرىدىن دوغىرى بىھ بىع ايدە بىلە جىڭى كۆستېبۈر، ئىن ايدىم كە بۇ، قانۇملۇ و آيرىچە ذكىرىستە احتياج اولان بىر حکىملىر،
مالكىن بومادىدە، داشىڭ اح ادا، مىنە وقۇع بىلاجە سەجىت.

پالکر بومداده، داینک اجرادارهسته و قوع بولاق صحاجی
اوژرته پاپله حق معلمدهن بخت ایدلشدر، حال یوکد اجرامامورلرته
دوپر بدن دوغزی به صراجت اصولی هیئت محترمه که برخی
منا کرسنده قبوله افزان ایمچ اولاد اجراقلو شنده قبول ایدلش اولنق
اعتباریله ماموره وهم دواوشکل قانونی اکنبا ایدلنجمهقدره ریشه ده
شامل اوله سلیله حکم بر تعمیر قوه نیمسی دها زیاده موافق اولور .
اوونک ایجون بنده کز « اجراء ریاسته » یوئنه « اجراء دارهسته »
دینله رک ماده نک تصحیحی وبوصورله عیناً قبولی رجا ایده چکم .

فواز بک (دیوانیه) — افندم، بندنه کزده بومادنه نک قاتنه
لزوم کودرو وورم . عینی زمانده « ریاستته » سوزینک « مأموریته »
سوزینه تبدیله ته طرفدارم . بالکن سوک قفره ده « ... یکمری درت
ساعت ظرفنه اجرما مأموری مرغیله هجز اولونوب « ... دنبلور .
ایشته بو « هجز اولونوب » سوزینی بردرلو تأویل ایده مدادم . جونکه
اساساً من هون ، مرعن النده بولونوره رهک حکمی جریان ایده
مرعن النده دک ایسه ، اونک النده می هجز اولوناجق ؟ اوقت
مرعنوندن چیبور . بناء عليه شو « هجز » سوزیندن برشی
آکلامام . اونک ایچون بو « هجز اولونوب » سوزینک طی
یعنی « ... یکمری درت ساعت ظرفنه اجرما مأموری مرغیله
آلتش اوچنجی مادنه نک قفره اخیره منه توفیقاً اجرما تأخیر ایدله دیکی
حاله و باز ایده صالحه رق ایع « ... دنبلمه می طرفداریم . یعنی
هجز اولونوب « سوزینی بورادن قالد رمالی .

امانولیلیدی افندی (آیدین) — اقتم، بوراده ایکی شق وارد ره: مقاوله نامده، بو مالک رهن او لدین و با خود دینک مدق حلوی آیدینکی تقدیرده بو مالک سایلابجن عزورد، اکر بوله برقاوله نامه تنظیم ایدش ایه، برقاوله نامه، شیمیدی قول ایستیدیکمز شکل داره مسنه — مأمور بک اعزازی و جهله مادة ساقعه ده مشتری جدر، ایکنچی شق قایلور، برقاوله نامه تنظیم ایدش و رهن وار، فقط احکام صریحه بوقدر، ادعا ایدیان شرط سراخه ذکر ایله مسند و با خود تعین ایله کی مقاوله، نامه دن استخراج ایدیمه بور، فلاں، مانی تر هن ایندم دیبور و مدونه ده و پی شو مدنه دین ایتمد، مدقی فلاں کارخنده حلوی ایدیبور، دیبور و بوله برقاوله نامه تنظیم ایدیبور، فقط شرط سازه خند صحح دکلر، شیمیدی، مأمور بک افندی، بو ایکنچی شق اسروا ایده میلکت ایگون شو ماده لزوم وارد، و دیه ادعا ایدیبور، پنه کرده ادعا ادسروره بوماده، بو توون و توون فضله در، و اقاه

مقاوله مأجوری تحمله اینست مین متأجره بر اخبار نامه تبلیغ او لهرق
مدت مذکوره ظرفنده یعنی تحمله ایندیک قدربرده اجرا داشته باش
معترضه تحمله معامله می ایندیلر.

ریس — باشندگه برو مطالعه واری اندم؟ آصف بکش بیانه
ببوردنی اسبابه بناءً اینجن، حکومتک بو ۶۴ نجی ماده می
طی اینست. آرین اندی دخن ایناسی تکلیف ایدیلر. ماده نکه
ایناسی طرفداری اولانز لطفاً ال قالدیرسون:
کیمه طرفدار اولمادی.

آرین اندی (حلب) — کیم واری اندم؟
فؤاد بک (دیوانیه) — کندیسی ده ال قالدیر مادی.

ماده ۶۴ اموال منقوله و تحویلات و پا نقد مقامنده تداول
ایدن سائز سنتات رهن ایدلیکنی و ایخود متأجرک مأجورده
بولان اشیاس بدل اجاره به مقابل تأثیمات عد او لهرق جنی مین رأساً
تنظيم او لمنش سنتاده مندرج مدتن خاتمه دین توشه او لمانش
ایسه دا بش اجرا رواسته و قوق بولجی مراجعت اوزریت مرسونات
پکری درت ساعت ظرفنده اجرا مأموری معرفته جز اولنوب
آینش او جنی ماده نک فقره اخیرسته توفیقاً اجرا تأخیر ایدلیکی
حالده بالزایده مصالحه اولانز دا بش مطلوب کننیه و متابقی
مدیونه تسلیم اولنور.

اماونلیدی اندی (آیدین) — عمومی بر ماده وضع ایندکنن
سوکره، ظن ایدیلور که بو ۶۴ نجی ماده بده لزوم قللادی.
بوتون اوراق رسیمه نک قابلیت اجرایی اوریپن قصدیق ایندک.
اجرا کنده اجرا قانونه توفیقاً ایجادیله جکنی تصریح ایندک، بناءً علیه
شندی اوراق رسیمه دن بعضی استانا ایدوب بوراده خرسوسی
او لهرق تعداد ایندکه بر منی واری؟ بندہ کنز پکارزم کورم بورم
اندم. بوراده توین ایدیلن ۶۴ ساعت مدت اکر لازم ایسه
اوون ده اینجن، اجرا قانونه علاوه ایدلیلر. بندہ کنز بو ماده
لزوم کورم بورم.

آصف بک (وان) — بو مادده رهند بخت ایدلیکی الجون
انجن اقا ایشندی و ایناسی ده هیئت جلیدن رجا ایدیلورز.

اور حقویه مدیری عبارت من نیب بک — اندم، ۶۴ نجی
ماده نک طی حالنده، بوراده الله موضوع اولان احکام، بوندن
اول قبول ایدلش اولان ماده نک حکمت ادخل اینک مشکل اولر.
چونکه بو دین مقابلنده ورلش اولان رهند بیع و فروختی آنچه
حکم ساکه متوفیه. طرفنک مقاوله نده بورهند، دین ایضاً
ایدله بکی قدربرده داش طرفنده، مرین طرفنده بیع ایدله جکه
داور بر صراحت بولندین قدربرده، دیشک و دهندی کلوبه ادادی
و زین ایله بجه، دو غریبین دو غرضی هاکه مراجنه بر سکم استحال
اینک لازم کلبر ۶۴ نجی ماده، بو حکمت استحاله حاجت
قالداری، بین اساس دیف عنوانی اولان سند، کاب عدل طرفنده

ریس — انجمنج ۶۳ و ۶۴ نجی ماده باتوحید هیته
بر ماده او لهرق تکلیف ایدلیلور.

اماونلیدی اندی (آیدین) — تکلیف ایندکنری تدبیانی دو غری
کوریلور. بندہ کرزه اوماله تدبیلات تکلینه بولون جقدم.
کندیلری تکلیف ایندیلر. اوراق بور برد تعداد اینک بربته،
عمومی عباره ایله مقاولات عمر لکنجه مصدق اولان بنون اوراق
قابلیت اجرایی سنت تصدیق اینک دها موافق اولور و بناءً علیه تکلینلری
شایان قبولدر. کذا لایخه اصلیه ده میونک بر حیات اسلامی،
قید خوده قالدیرسیورلر. بندہ کنز بون ده موافق کوریلور. بالکن سوک
قره ده «فسیر» بربته دها عمومی بر عباره ایله آنچه حقک بیوت و
نمین تدقیقات اجراسته تناخ اولور سه او لحاله مسئلہ عکس جحل ایدلیلر،
دنیلرایه دها دو غری اولور، ظن ایدرم و بندہ کنز تدبیلک قبولی
تکلیف ایدرم.

فؤاد بک (دیوانیه) — بندہ کنز استحصال ایدیلور. مت لعنه
بازمده او کا کوره مذاکره ایدرم. ذیرا شوکلیف ایندکنری مت
بر کره او قویمه حقنده بیان طعامات ایدلر.

ریس — فؤادیک اندی، ظن ایدرم، تدبیله مطلع اولدیکنر.
فؤاد بک (دیوانیه) — اولدم اندم.

ریس — بون ۶۳ و ۶۴ نجی ماده بور بربته تکلیف ایدلیلور،
او له دکی اندم؟ تکلیف ایندکنری ماده بی تکرار او قویمه لعنی؟
ذاتاً کندیلری او قوشلاردی، شو حاله ۶۳ نجی ماده او لهرق
الخمنک تکلیف ایندیک ماده نک بر نجی مذاکر مسنتی کاف کورنلر
لطفاً ال قالدیرسون:

کاف کورولشدیر.

۶۵ نجی حینه دک ۶۵ نجی ماده ۶۴ نجی ماده او لهرق
او قوبورز.

آرین اندی (حلب) — بوندن اول حکومتک بر ۷۱ نجی
ماده سی وار. بو ۷۱ نجی ماده بی اینجن، بو ایخار عشار
قانونه وارد، اونک الجون بوراه درج اینک لزوم بوقدر،
دیبه طی اینش. بندہ کنزه قالبیه بون ایخار عشار قانونه
جیفاروب بوراه قوارساق دها موافق اولور، ظن ایدرم.
بو ماده بوراده قالسون و ایخار عشار قانونک او ماده سی طی ایدلسون.
باشه قانونه نه لزوم وار؟ ایشته پک اعلا بوراه ذکر اینلشدیر،
بندہ کنز ایناسی طرفداریم.

آصف بک (وان) — طی اولان ماده، ایخار عشار قانونه.
سنه موجود او لدینشن، بورادن طین اینجن موافق کورمشیر.
مع مافی هیئت جلیله حکم اولور اندم.

حکومتک تکلیف

ماده ۷۱ کرک رأساً تنظیم و کرک خارجین کنبر بلوپ تسدیق
ایدیلر ایخار و استیخار عشار مقاوله نامه مسند مدرج مدت اجاره نک اضافه شده
ماجوری تحمله ایندیکی صورنده اون بش کون ظرفنده برموجب

ایدیلور . اصول حاکم حقوق مرکز ، شرایط استیناچیدن اولیه اوزره آرزو ایش اولدانی کفالت ، بالکر قدرت مالیه تضمین ایدن کفالت دفتر ، هاریا کفالت ایشکدن بیارقدر . اماونیکیدی اندی (آین) — اوراده قوی رکنیل دنیلور . امور حقوقه مدیری شدالرعن میب بلد — بو کفبات کفالت استنک بالکر گاب دل طرفدن تصدیق اندیس لازم کابر . فقط اونکیلک نهاد ایش اولدانی خصوصی ایغایه متقدیر اولوب اونداونی تخطیه ، اکر مستلزم ایه ، اونک صورت تصدیق بو مادده ذکر ایدیلور و دموزرشنو ایق . اموالی هر ایمکت سورتیه بور شرطک ایضاً تکن الوور . یوقه ، خارجاً اجراء ایدیلچ تحقیقات اوزرسه و باخود بلا تتفیقات کفالتانه تک تصدیق ایدش اولاسی محدود مالیه تک تصدیقی تضمین ایز . بو کفمات ملهوی بوند هارقدر . بناءً عله قاتون بر مخدده ، فدرت ماله مک تصدیقی آرزو ادرسه اوجهن تصرع ایدر . اکر الوویده بر امر فران روحه خارجاً کفالتانه تک تصدیقی اکتا ایدیلر و ملن ایدرمکه مطلوب قاتونه به صورته شامل الوور . یوکون اطیافده سوه تنهه اونغ امش بر مسکنه ، کفالتانه کاب دل طرفدن تصدیق ایدیجنه کمبل . کفالتی ایلان امتع ایدرسه . بو کذانی ایصاله مقندر ایکسی ایلان امتع ایدیلور . یوقه بوره اولساونی حاده میس امتع ایدیلور . بو مسکه ، بعضاً انتیفاته حل ازمهن برسته شکل اکتساب بدیلر . مثلاً ایوم مری الاجرا اولان اجر افرار کامه میس احکامه توفیقاً . برکسنه کمکت اوندیق تخلق ایشکی عذرده ، هندا ایصاله جیسا تضییق جائز . اوچله ، بوره بر کفالتانه زیره وضع اعضا ایش اولان بر میدون . بالکر کفالتانه ایضاً ایش اولنه ، اندارالیسی تحقیق ایشدو ، بناءً عله مقندرده . آریغه ایلات انداره حاجت اولتسنن کمکتست جیسی جازیلر ، ویه جنکر . یوقه میس جهته کیته به جکنی روا . بو مسکی ایش . کفالتانه تدقیق ایدمکن . اکر اندار مالیه تضمین او وقت . کفالتانه تدقیق ایدمکن . اکر اندار ایلات انداره ایدر طرزده باشش بر کفالتانه ایه . آریغه ایلات انداره حاجت قایمه بطرد . عکن قدرده ، ایلات انداره حاجت قایمه بطرد . اونک ایجون اکر حاجت قایمه ایه . بیوتون بواحالات الجسته نظر وک آنرق بوره رأساً بر جاده باشندش . حکومته . بوماده که هیا قبوله . هیچ بر مخدر ملاحظه اولویتیور . بناءً علهه تقدیر منه . بالطبع به هیچ جمله نامدر . اماونیکیدی اندی (آین) — بوریلرکه اصول حاکم موجوده وریلچک اولان کفالت سندنه کیلک معتبر اولدانی تصدیق ایدار . ویدبل . فقط خاطر لردن چیزمشندر که ، اصول حاکم موجوده « قوی » رکنیل ورمل لازم کابر . دنیلور . وکمالداره کیلک معتبر اولدانی طاولات مصدق دک ایه

ریس - سور اینستن وارمن اندم ۱
امانوئلیکی اندم (آیدن) - شواده فرانت اولوندیزی زمان
اولا، شده کرک خاطر به کن اسپنی و قیزی هزاربر. اصول
خاکه موجیته سمتیک متیر کلیل و روکه دار. بروجیه سبیدن
هدیل کری رکالت سندي ایراز اقتصی از مرد، کمالات و کلیل نهادکرد.
هیزم پیلور، شدم شواده ایه او کفالت رهه تحول ایدهیور.
کلیلک کوسزدیک اموال تحت عزمه آغازه ایک کفالت مندر
اویله چقدر دیلور. - تأثیمات قیمه وا هیندو بارکه اوکالت
معتر اولویه حق دیلور. - شدمی اهتمام شودر که توآنا
کلیل اینستینیل مواده اثبات تدبیه و باخود عیبه کرامق دو غری
اویلهان. - هنون، کلیل ایکش ایش ایکش ایش ایکش ایش ایش
بوسکس تمدل ایکش موافق اویاز، ظن ادرم.
ایکشی اعزام، لاخمک معلوو اولان تائیان و وریک اولوهه
ستکدر، دوشوه که متسلا، استاف مکه که ایکشی در جریمه که در
هدایی تائیان گفت ایجنون استاف طر منه شکلات کوستاری امسی اعضا
ایدر. حق امولوکه که کلملوو اولان کفالت قیمه سمتله موافق مصلحت
اویوب اویادیل بر سکدر، بووه ایکن یکی مکاران احتمال ایدرک
بر طلاق افراد تائی، حق استایدن غروم ایکش موافق دو شوکم. کرک امور
اویچی اهتمام، اقصد تکمه اتفان دوشوکم. کرک امور
حقوقی و کرک موادر جراحته ره چوچی کفالت سندری نظم ایدیلور.
پوتزک هری ایجنون اموال خیر نهاده که تحت عزمه آئسی ازام
و متفقی اویولوسره بوند بوله به ملکه همپور اولان بر عضار
قلکاهه تقدیر. اوده نه ایجنون ۱۰۰ حق و تخت ایچی ایچی ایچی ایچی
واکرنا تحسیله تشتیه ایدلین مصارف عا که ایچیور.
والصاله بر لایمه قوییمی ترتیب ایدن ایچیک لظرف جل
ایدن بر تغله وارد. - اوده شودر که سعنی کفالت سنداری
مفترهه، ویه اصدق اولویور و سوکره لونزک متیر اولویه حق
ایدیلور. بوده دو غریدر، فقط، بر قالی رفع ایدمی در کن دهایلوک
و دیکر بر تاق چیارهایم. شده کرک، قایل ایه بوزاده کفالت مسنه مدن
تحت ایچم، اسکی ایل بر تاکه هرمه هنکه، بیه کاونه زده
و اضع قانون کفالت زوم کو رویی مواده معلوو اولان کفالت
نوع و شرطی لئین ایدمیلر. بیوفه ماده دکوره که قبول ره چوچی
هزاربری تولید ایدهیکر. بوماده که طبیعی تکلف ایدرم.
کلیل که (آیدن) - اغم، - بلهه که که بیدن مکه
اند رسه جو کایابیلر، مدیون الله بیلر، اولاده خیلی
اند رسه آلتی نصل الوور. اونک اوزرسه هز وضع ایدهیک
وضع بد ایشه اولور. بنه اعله، اکر مهون دان بندم ایهه.
ماره ایجا ایکه ایکه و معید ایهه علی الاصول فروخت اید، اهل ایلهش
اولوک کی رهیبی مسلندا مدیون المدینو تورسه، اووقت هز ایدلور
و اوصوره که فروخت ایدلور. بنه اعلهه بور ایمک هز اولویور
تیپری تکلهه هاشمی وارد و ماده که هیا قبول مصلحته و درج قابو
ماهقدار. بعدهیه هیت جلهه نصل تکلیف ایدرسه اوله الوور.
آسف که (وان) - حکومت مأموری یک اندی ماده به
اجرا ریسی و ریسه ایچرا داتریمه، قیدیک و مضمی ماده که
بیوسکوره که تدبیک تکلیف ایدلور. اینم ده بون قول ایدیلور.
هر اولویور، قدر منک طبیعی ده قزاد که اندی ایدلور.
طبیوکه، هر هویت ایله، همچویزت آزمدنه، آزی آزی
فرغلر و ازدر، مأمور یک اندی طرقدن، انتخاب ایدلریک و چو،
ماده که که تصمیس ایه بیت جلهه دهن هیا بولی ره چا ایدیلور
ادرم.
ریس - تهدیله وریه حکمکبر اقدم
امانوئلیکی اندم (آیدن) - خار اندم.
ریس - اندم، بون ایچرا ریسی، کامنی ایچرا ازرسی
صورتیه تصحیح ایدیلور. بیورت تصمیس قبول ایدنل ایها
آل فالریسون:
قول ایدلور.
۶۵ - بیه که داده که بر یکی مذاکر منک کلامی زایه صرس
ایدیلور. قول ایدنل ایها آل فالریسون:
بر یکی مذاکر کمی های کورلشدر.
بالکز و نی عرض ایدرم اقدم. بون داده که و قفری
با طبع قطعی داده، چونکه ۴۳۴ و ۴۳۵ بیه ماده ایهه بر شدیده داده
و آیش ایچین ماده اولویور بر ملهه واپد و مذاکر ایدنیکیز
قاونکه ۶۵ بیه ماده ایهه ۶۴ و ۶۵ بیه ماده ایهه
منظور ما یک ایل ایل و جهه ۶۶ بیه ماده که فطره ایشی مسنه
توپهه دلیلور، اوستنک ۴۲۴، استیل ۴۹۱ و ۴۹۲ اویله جندر.
قرارنامه ایکنیک، مذاکر سنده طبیعی بجهت نظم اولویور. طبع
ایندر جز هیله عرض ایدلور. بیه بر ملاحته اویله عرض
ایدیلور.

ماده: ۹۶ کمال و اینبار مالی سندات کتاب عذر طرف دهن
تصدیق ایدن اولی قدرت مالیک تصدیق نشون افز. آنچه
طلب ایدن اثبات مالی مصادل ازه اوسان اسوال غیر متوجه
هز و سمع اهدایی و اثبات تقدیم مدارسه مساوی خود و
خوبیات علایه عنا وام است بر اتفاق و بفرار موضع علم و خبر از
کتاب عذر طرف توسعه اولی ای تقدیر و ستد مذکور ملک متوجه
مالی ای و خی معین در *

جز ایندیمکسزن ور اوراق و تحویلات یاتیر مقصزون بو کفالت متبردر دیه تصدیق اینه او معامله و توفر لاحق او مقصزون بونی، صورت مطلقاده، متبر عدد ایدمه جکی ز، اینه چکر. یعنی مکنول له بونی بو صورله قوله غبوری، دکی چونکه، ناتب عدلک معامله ای امکان اینه دیکنه نظام الوپیور، چونکه، او بجهوز فالاچقدر. بناءه علیه شو ماده نک تک می ایدله می الزمرد.

کفیل مانی جرایمک، تأینداند باشنه برشی دکلدر. او بجه عرض ایتدیکم کی بواسول ایله بر چو افراد ناس، حق قاتو تیلخی استعمالدان محروم قالهچق و همه ده شو ماده تطبق ایدیله حکم اولورسه اقتصاداده فنا نیچه جاری کوروله حکم در. چونکه هر کفیل املائی سنتلار جه محجوز فالاقدار. بنام علیه شو ماده تک مط ایدله می الزمرد.

فؤاد بک (دیوانیه) — بنده کز، بوسنیه ایسلی بر صورت ده
کریشک ایسته بورم . ظن ایدبوم که ، کفالت ، مکفولله حسابه
مکفول عنہک ذمته کفیل اولان بر شخص مالک ذمته تو یقین
عبارتدر . بتون کفالتک معنای بوندن عبارتدر .
آرین اندی (خلب) — ذختی ، ذمته ضم ایمکندر .
فؤاد بک (دیوانیه) — اوت ذختی ، ذمته ضم ایمکندر . بوراده
الک زیاده سوز سو بهامک حق کیمه هاندر؟ بنده کز ظن ایدبوم که ،
مکفول لهه هاندر ؟ نه بزه نده قانونه هاندر . بو ما یهیتده
اولان کفالی سین مطلقاً معتبر عد ایده جکسک دمکله او ،
معاملاتک ایزی کو مردیور . بناء عليه او کفالته اعتبار ایز
واو کفالته قبول ایز . دیگه که اصل مکقول لهك اعتباری وجوده
کیزین شی ، کفالتك شکلیدر . کفالتك شکله کلجه : کات عدل
وطرفن ایسته دلکری شکله و قریر ایده جکلاری بر ماهیته برسندي
تقطیم ایسته دلکری ، بو قانون مو جنجه ، صلاحیتادر . بناء عليه
مقصد منده بو قانونک دیگر مو اونده و متنده موجوددر . بو دخیه
کوستیریبورک شوماده تامیله زاد و لزو مسرتدر . منفعت یهیه مضرقی
و تهکیکی موجوددر . بناء عليه فرق محترمک تکلیفلاری وجهمه بودمده نک
طغی ، سنه کزده ، تکلف اندسorum .

فؤاد بک (دیوانیه) — بندے کنز، بومسٹاہیہ اساسی بوصور تھے
کہ یشک اپنے بورم۔ ظن ایدبورم کے، کفالت، مکفولہ حسابہ
مکفول عنہک ذمتوں کفیل اولان بر شخص نالٹک ذمتوں تو یقین
عبارتدر۔ بتون کفالٹک معناسی بوندن عبارتدر۔
آخرین اندی (خلب) — ذمتو، ذمته ضم ایجکدر۔
فؤاد بک (دیوانیہ) — اوت ذمتو، ذمته ضم ایجکدر، بورادہ
اللہ زیادہ سوز سو یہاں حق کیمہ مانڈر، بندے کر ظن ایدبورم کے،
مکفول لہمہ مانڈر، نہ بڑہ نہ قانونہ مانڈر۔ بو ماہیتہ
اولان کفالٹی سن مطلقاً معتبر عدد اندھکسک دیگلے او،

آرین اندی (حلب) — افندم بو کفالت ، کفالت عادی قیلندن دکلدر ، بر کفالت قانونیه در . مکفول لهك رضانه موقف دکلدر . اکر مکفول لهك رضانه تایع طوتنق بو کفالتمارک هیچ امکانی بوقدر . هیچ بر کفتاتمهی مکفول لهه قبول ایغز . مکفول علیهارد استیغاف و تمیز حقنند و هرشیدن محروم قابله . بو ، تأمانتن قلندندر .

بو کفایتی معتبر عداینه سه قانون : کفیل ، کفالت ایتدیک تقدیرده فلان نوع اموالی فلان عمله بر اقوب اویله جه کفالت ایتسون ؛ دیدیک تقدیرده کفولله ، اولا بیلرک بو اموالک بولوندینی محل امین عد ایغز و بی اموال ایله قساعت ایله من و با بو کفالته اعتبار ایغز . كذلك او لا بیلرک دها امین اولان خالدن امنیتجه دها دون اولان بروه قفسنور و او نکله قساعت کترر و بو کفالته

امانوئلیدی افندی بیو بیو ریور لرک : قانون ، کفالت یه ریه تأمینات ایسته ایدی دها حقیقت او لوردی . ذاتایی قانون بونی کو سترشدر . کفالت ده ویر به بیلر . آنچه دهد بیو زیست او ایدلر . تأمینات ده ویر به بیلر . قانون ک اوطربیمه ده واردار .

یه معتبر عد ایدر . اصل حق ، مکفول لهکدر . آکر بز بومادی افنا ایدرسه مکفول لهک طبیعاً حائز اولین حق کنندگان سلب ایش الو روز . مکفول له ، ایستسه حکومت اولسون - ک استیف و تمیزده اعشار تفویضنده ، التمام عقدنده و سارهه کفل آرا بورز-

اما بوللدي افندى (آدم) — موقف ايجون وارمى؟

رئیس — سوزینی کمپینیکز افندم۔

آرتن افندی (حل) — موقوفل آیچون ده وار.

امانوئیلیدی افندی (ایدين) — موقوف ایجیون یورقدر . آرتین افندی (حلب) — بوگماالت آپقوسی دیبورزیتو ایستنده ویا خود مال و املاکت حجز ایماندنه نه کی مشکلات وار ؛ ذاتاً بولنر او فاچق دعوا ازال ایجیون ویریلیبور . او دهاره ده صارف محکه اون لیرا ، یکرمی لیرا او تووز لیرا اکبی بر شیدر . اوں لیرا ، یکرمی لیرا مقابله نه ، بر آدمک مالی حجز ایدلش ؛ یا خود کندیسی یکرمی لیرا ، او تووز لیرا دیبورزیتو ایخش . کیله بوندن نه کی محدود حصوله کلیر ؟ بـ اوراسنه عقل ایرمیمور . یونک نه ملکتک اقتصادیاته تائیزی اولور و نه ده هر کـک معاملاتی معمل قایبر . بو ، معاملاتک ساده لکنی ، سالمیتی و دها زیاده محضر ظیقی تأمين ایدر . بناءً علیه ماده نک ایقسی تکلف اندسوز .

معتبر نظر به باقیه جمله و باقیه جمله بـ سـنـک کـی باقـیـه جـنـز ، دیبورز . بوکا بـزم هیچ حـقـمز يـوـقـدر . بنـاهـ عـلـیـهـ بـولـهـ بـرـشـکـلـ تعـبـینـ اـیـةـ مـلـیـزـ . کـفـافـیـ ، مـکـفـولـ لهـکـ حـرـیـتـ یـعنـیـ حـرـیـتـ تـقـیـسـهـ تـرـکـ اـیـمـلـیـزـ . بـونـیـ باـعـقـ اـیـجـوـنـ دـهـ بـوـ مـادـهـیـ شـوـرـاـدـنـ قـالـدـیرـ مـلـیـزـ . اوـحـالـدـهـ نـهـ اوـلـورـ ؟ مـکـفـولـ لـهـ ، نـاـصـلـ کـفـیـلـ اـیـسـتـیـبـورـسـ مـکـفـولـ عـلـیـدـهـ اوـ شـکـلـهـ بـرـ کـفـالـتـامـعـیـ کـاتـبـ عـدـلـهـ تـصـدـیـقـ اـیـسـتـیـدـیـزـ . اـکـرـمـکـفـولـهـ تـأـمـیـنـاتـ اـرـامـسـنـیـ اـیـسـتـیـبـورـسـ اوـ وـقـتـ کـفـیـلـ اوـلـانـ شـخـصـ ، الـنـدـهـ قـالـانـ مـالـلـرـ ؟ مـکـفـولـ لـهـ اوـلـانـ فـلـانـ دـاـرـهـ وـیـاـ فـلـانـ شـخـصـ اـمـرـیـهـ اوـلـهـرـقـ فـلـانـ دـوـلـیـ تـأـمـیـنـاتـ اـرـامـ اـیـتـمـ ، دـیرـ وـکـاتـبـ عـدـلـهـ بـونـیـ تـصـدـیـقـ اـیـدـرـ وـیـوـ صـورـتـهـ تـأـمـیـنـاتـ دـهـ اـیـسـتـیـدـیـلـیـ شـکـلـهـ حـصـولـ بـولـشـ ، اـولـورـ . شـایـدـ بـونـیـ سـوـلـهـ مـهـمـ اـیـهـ اوـوقـتـ کـفـالـتـامـعـیـ

تامیناتسز و مطلعک صورته جریان ایش اولور. شمده بوراده بر
مثال عرض ایلک ایستم، عیا بز بوشکی سویله مش اولنله بوار
کات عدل برکفالتابه ستظم ایش اولسه و بویله اموال غیر منقوله

تاریخچه بر موقوت و رملک ایجون پایبلر ایدی. حال بوكه، کفالتماردن مقصود او دکلدر . او ندن دها مهم بر شی وارد رک او ده، کفال ایدن داینک اعتبار مالیسی تصدیق اینکدر . امانوئلیدی اندیشک دیدیک کی کفالتمار ، بالکن استیناف ایجون و با خود تیز ایجون ویرلن اوراقن عبارت دکلدر . کفالتمارلک دها مهم بریری وارد رک او ده، حجز اختیاطلرده و سوکره اجرا داڑه لرنده ویرلن کفالتمارلدر . تصویر بیورلو ایلسون که بش بیک، اون بیک لیراقن بر دعواده ، بر حجز اختیاطی وضع ایدلک لازم کلیدیک زمان ، بریسی کفال ایده جک ، کاتب عدل حضوریه کیده جک ، اورادن اعتبار مالیسی تصدیق ایندیر مدن بر کفال اوره جک . اونکله محکمه ، بر حجز اختیاطی وضع ایده جک . او حجز اختیاطی اصولیز وضع ایدلش اولدینی حالده هیچ بر اساس قانونیه مستند اولقزرین محکمه جه تحت قراره آناندیکی زمان ، پایلان معامله اعاده ایدلش اوله جق و او کفیلک ده اعتبار مالیسی او ملادن کفال ایش اولدینی تحقق ایده جک اولورسه، کفال ایدن ذات اموالی تحت تهلهک بقوهش اولور . اونک ایجون ندر کفالتمارلک تاریخچه موتو قیتند دها مهم اولق اوزره اعتبار مالی آراین . دنه بیلرک ، اعتبار مالی مسئله منی ده کاتب عدلر تصدیق ایلسون . حال بوكه معلوم مالی بیلرک ، هرشی متخصصی طرفدن تهدید و تعین اولونه بیلر . کاتب عدلر : کفال ایده جک ذات تجاری ایسے تمارنده موقعيه ، ملک صاحبی ایسے ، املاک نقطه نظر ندن ژروتی ، تعین و تقدیر اینکدن ماجزدر . دها دوضرسی ، او کی تکلیفانی باقی ایجون لازم کان در جده و ناشه مالک دکل ، اونکله مجهر دکلدر . بناء علیه ، شمدی به قدر تطبيق ایدیان اصول ، کفیل اولان ذات تمارنده ایسے ، اونک اعتباری تجارت اوطسی تصدیق ایدر ، اکر اصحاب املاک دکن ایسے ، اونک عهدمنده املاک بولونوب بولونادینی املاک داڑه می تصدیق ایدر . بوکی اصولرله شدی به قدر برآدمک اعتبار مالیسی تصدیق اولونور . اواعتبار مالی دواړه حاډه سندن تصدیق اولوندقن سوکره توثیق ایجون کاتب عدل ده معاملات سارمی ایفا ایدر . بشده کزجه کفالات خصوصنده کاتب عدلک تصدیق هیچ احتیاج بود . چونکه کفالدن مراد ، اعتبار مالی دیرو . اعتبار مالی ایسے کاتب عدلر طرفدن تصدیق ایدن . اونک ایجون ندر کامانوئلیدی اندیشک بوماده نک لنونه داړ اولان تکلیف موافق دکلدر . اما دینله جک ده اوماده قالارسه ناولور ؟ اوماده قالدنی زمان ، یه حال حاضر جاري اولادقدر . لکن ماده نک ایقا سنده بر فانده وارد رک او ده ، حال حاضری بر قانونه توفیقا تصدیق اینکدن عبارت ده . شمدی ماده که بوکون جاري اولان اصول بودر و جاري اولان اصولی بوماده قانونه نایید و قوه ایدیبیور ، بناء علیه اوماده قبول ایمک هر حاله ملی ایله مکن دها اولادر . بوندان دولای ماده نک ایقا سی طرفداری بزم و بونی تکلیف ایدیبیور .

امور حقوقیه مدیری مدارجون منیب بک — افسدم ،

ایله اکتفای اینک ایچک آزو سنده بولونیورلر و قانونک شمدی به قدر کفیل معتبر ملائی تأیین ایچک آزو سنده بولونیورلر و قانونک شمدی تأیین ایچک آزو سنده هم کفیل هم تأیینات ایسته بیورل . چونکه

یوجون او ورقه نک اصحابی طرفندن اعضا ایدلش اولماشی لازم در .
بناد علیه، بوکا سند عادی ماهیتی ویره بیلک ایجون طرفینک امضا نی
اختوا ایمک شرط او لایقی هر حاله ذ کرایمک اقضا ایدر . طرفینک
امضا نی ده بولو نماینی حاله او سند، سند عادی ماهیتندن دها آشاغی
بر ماهیته تزل ایدر . بلکه ، بر قریه ویر اماره او لایلر . فقط ،
سند عادی او له ماز . اونک ایجون مادیه « احکام و شرائطه توفیق
ایلدیکی صورته » عباره سندن سوکره « اکر طرفینک امضا نی
حاوی ایسه » فقرمه درج ایدله جک او لوره عرض ایتدیکم
عذورده بر طرف او لور و مادده موافق او لور .

آسف بک (وان) — انجمن بو تکلیق قول ایدلیور .

ریس — علاوه می تکلیف او لanan شی نه در اقدم ؟

آسف بک (وان) — « ... شرائطه توفیق ایدله جکی صورته »
عباره سندن سوکره « اکر طرفینک امضا نی حاوی ایسه سند عادی
حکمنه طولیور » فقرمه سنک علاوه می دیر .

اماونلیدی افندی (آیدن) — افسد ، در میان ایدله جک
اعتزاس اندن برینه حاجت قالدی . اینجسته کلیورم . مقاولات
محرر لری شو لامحمده مندرج اولان شرائطی تمام افایتمش اولور
ایسه تسلیم ایدله کلری اوراق کان بلکن حکمنه واخود سندات خاویه
حکمنه تلق ایدلیر . دیه بر فقره وارد . فقط ، هر شرطک عدم
ایفاستدن دولابی سندک کانم یکن اولماشی واخود سند عادی حکمنه

طولماشی اقضا ایدله جک او لوره ، ظن ایدرم که مقاولات محرب لکنندن
موثوق بر سند چیمار مقاومت مشکل او لاقدار . میلا شاهدردن بر سندک بر
قراری وارمش . بو ، کیمه نک معلوم دکلر . مقاولات محرب ریسندک ده
معلوم دکلر . شهادت ایتش و سند تصدیق ایدله جک . واقعا شو
لایمه قانونی ده مندرج اولان شرائطدن برینه ضروری اولارق
رمایت ایدله مشدتر . دیه سندک غیر مصدق عد ایدله ایجاد ایچز .

اوله اوله مقاولات محربی بر دقتزلاک ایتش ایسه بوندن دولابی
عجازات کورمه لازم کلر . یوشه سندک موثوقیته خلل کلک
اقضا ایچز . مقاولات محربی بیلس زده مجلس ایشده کیمه
بو افلاسندن خبردار او لایدیقشن بوراده مقاولات محربی تعین
اولونش . بناءً علیه بو تعین ، لایمه قانونی نک شرط لرنندن
بری خلافنه واقع اولشدر . او کاتب عدالک عزیل مسنه می سه
باشه . اقدجه تصدیق ایتش اولدینی اوراق حق میثمه سی ینه
باشه بر شیدر . لایمه قانونی ده بر طاف شرائط وارد که بوندنک

عد اجرایی سندک باطل و با عادی عد ایدله ایش ایچز . اونک
ایجون بنده کسر حکمنک ایمک تکلیفنده توجیج ایتش اولدینی اصولی
دها ای کوریورم . یعنی هانکی شرطک اجرا ایدله مسندن دولابی
سند باطل واخود سند عادی حکمنه طولیاجقه او شرائطک
صرامة ذکر ایدله می لازم در .

آرین افندی (حلب) — بوراده ، سند باطل او لور ، دیه برسوز
افتدم . روز نامه عرض ایدبیورم : حل و لایق تشکیلات
حکمنه کانونک ایکنی مذاکرمه عرض اجرا ایده جک .
بوندن باشه بول سنجاغنه مر بوط زونقوله ایق ، ارطی ، دورک
و بارطین قبضالریتک غیر ملحق لووا حالنه ادارمه و دیکر بعض

ریس — سوز ایستین واری اقدم ؟

ماهه نک بر نجی مذاکرمه عرض کاف کورنلر لطفاً ال قالدیرسون :
کاف کورنلشدر .

ماهه : ۶۷ - تسلیم وا تصدیق ایدله اوراق و سندانک عبارات

ویا تاریخ و اهمالیه تبدیل وا تحریف ایله استعمال ایدلنله جزا

قانونشک اوراق رسیمه ی تحریف ایدلنله حکمنه ک احکامه توفیقا

جزا و بولور .

ریس — سوز ایستین واری اقدم ؟

ماهه نک بر نجی مذاکرمه عرض کاف کورنلر لطفاً ال قالدیرسون :
کاف کورنلشدر .

کاتب حیدر بک (سارو خان) — فؤاد بک تقریری ده بوماًلددر، امور حقوقی مدیری عبدالرحمن منب بک — ماسیله اندی حضرتاری طرفدن وقوع بولان بیانانی تأیید ایجون ایک کله علاوه ایتك ایسته یورم، بوماده نک برخی قفره سنده کفالات و اعتبار مالی سنداتک کاتب عبدالله طرفدن تصدیق ایدلش اولی قدرت مالیه نک تصدیقی تضمن ایتز، دنیبور، شو عباره نک ده آکلاشیبورک قدرت مالیه نک تصدیقی مطابق او مایوبه ده لکز کفالات سندیتک تصدیقی مطلوب قانونی ایسے او بولاه بركفالات سندی پایلاسیلر و اصول حاضره داڑه سنده او کفالاتمه تنظم ایدیلر. يالکز اصول حاضره داڑه سنده پایلاسیلر کفالات ایله او آدمک اعتبار مالیسی مصدق اولماز. اعتبار مالینک مصدق اولماس، آچق بوماده نک ایقاله شدی به قدر جاری اولان اصول بر طرف او لاجیج، قابل اولور. او شرائطده، فقره آتیده سویله نیلن شرط‌دردکه عینی غریمنقول اوزرته ججز و ضع ایلسی ویا خود تأمینات تقدیمه هه مساوی تقدیم و تحویلات عثیانه نک عیناً و باستبر بر اتفاقه وریله رک مقبوض علم و خبرلر سند کاتب عده تو دیه مسائلیور. ایشته کفالات تصدیق بو شرائط‌داره سنده اولورسه، او وقت اعتبار مالی ده تصدیق ایدلش اولور ویا خود هادیا کفالاتمه تصدیق ایدلش دیملک اولور. شو حالده، بونکه یکی بر اصول احداث ایدیلر، دیکدر وفائدنه سه غیرمنکردر. اونک ایجون ماده نک عیناً ایقان‌سنده هیچ برخندر یورقد.

رئیس — شمی ایک آرقداشمز ماده نک طینی تکلیف ایدیبور، انجمن و حکومت دیکر رفقاء محترمده یعنی ده ایقانی تکلیف ایلیبور. ماده او قوندی، ایقا دعا اول او لاینی ایجون، اون رأیکرمه هرخ ایده جکم. بناء علیه ماده نک ایقان‌سنه طرفدار اولانلر، یعنی ماده نک مذا کاره سنتی کافی کورنلر لطفاً ال قالدیرسون:

کافی کورلشدیر اندم.

ماده ۶۶: کاتب عبدالله طرفدن تنظم وبا تصدیق اولان اوراق و سندات اشبو قانونه مندرج احکام و شرائطه توفیق ایدلیکی صورته سند هادی حکمنده طوطولور. اوراق و سندات منکوره ده بولان غیرمصدق چیختیار رسی عد او لو یاوب آتعی سندک اقسام مصدق‌ستک موّوقتی اخالد ایده من. تصدیق اولان سندات ایله بونلر مقتد بولندیقی سجلاتک مندرجاتی یکدیکرینه میان اولدده کاتب عدل زندنه حفظ اولان ماضی نسخه‌لره اعتبار اولنور. تصدیق ایدیلوب دفتره تسجيل ایدلیان بر ورقه او زرینه تصدیلات و علاوات اجرها ایدلیمن.

رئیس — بر مطالعه وارسی اندم؛ به کهک برماده قالدی اندم. مذا کرمیه دوام ایدم.

امور حقوقی مدیری عبدالرحمن منب بک — بوماده نک برخی قفره سنده اشبو قانونه مندرج احکام و شرائطه موافق اولان سنداتک سند رسی اولیه جنی و سند هادی ماضیه تنزل ایده جک، ذکر ایدیلور. فقط ظن ایدم که بر ورقه به، سند هادی دیه بیلیمک

طیبیدر که قانونک تین ایتدیکی شکله جریان ایده جکدردیدم. اونکم تین ایدیبور؟ اوراده کفالی کیم ایسته جک؟ طبیعی اصول عاده حقوقه قانونی. بناء علیه اصول عاده که حقوقه قانونه توفیقاً کفالات ویره جکز، دیک ایسته یورز. مقصدم بوندن عباره ندر.

سعید اندی (معموره‌الزیر) — مسئله تشور ایندی اندم.

نم ماسیله اندی (ازیم) — شمی علن ایدم که بنده کزک سویله دیکم نقطه نظره مختلف فکر در میان ایدن امانوئلیدی اندیتک اعتبارهای بوماده نک مناسبی باشه درول آ کلادیتندن تولد ایدیبور، ماده دی ایکیزدہ باشه، باشه آ کلابیورز. اونک ایجون مختلف نقطه نظرلره مطالعه در میان ایدیبورز، امانوئلیدی اندی، ظن ایدیبوره بوماده نک ایقانیه شمی به قدر جاری اولان اصول بر طرف او لاجیج.

یعنی بوماده نک قبول ایدلیکی کومن اعتبراً فی مابعد اصحاب مصالح، با خود کاتب عدل، اسکیسی کی اعتبر مالیسی امالک داڑه مارنندن تصدیق ایدلش کیدلرک کفالاتی تصدیق ایقانیه جک مناسبته تلقی ایدیبورلر او وقت بو مطالعه‌لری دوغ‌ریدر.

فقط بنده کز ماده دی امعناده تلقی ایدیبور. اسکیدن جاری اولان اصول، بو ماده نک بر طرف ایدلیسیده برو طرف اولیه‌جقدر، فضله اولادر قبول ایلرسه یکی بر اصول ده علاوه ایدلیبور و دنیبورکه ساقچا جاری اولان اصول‌لردن ماعداً برده شو سورته کفالات کیدر و کفالات ایشک ایستدیکی آقیک مقداری دیبور تو اید، او وقت کاتب عدل ده او آدمک اعتبر مالیسی تصدیق ایدر. بوندن شو معاً جیبور.

اوته‌ندن بری تصدیق ایدلک ایستینی شی باکر امضاک تصدیق‌دیر. ماهبی اور. یوچه شمی به قدر کاتب عبدالله قطبیاً بر کیمسه نک اعتبار مالیسی تصدیق ایتماشلردر وایده مزلر. جونک کن‌دیلر سند داڑه صلاحیتاری خارجنده در. شمی به قدر موقع مر عیته بولان مقاولات محولکی نظامنامه‌سی باشن آشاغی به قدر تدقیق بوریکر

اوراده کوره جک‌کردر که مقاولات محولری، بر کیمسه نک اعتبر مالیسی تصدیقه صلاحیتار دکلادر. اونک اصول معاً جیبور. ایدرلر. اورادن کلاه‌جک اولان معلومات عطاً تصدیق ایدرلر و دیرلرکه: تمارات او طه‌ستک افاهه نه نظرآ بو آدمک اعتبر مالیسی شوددر.

بناء علیه شمی به قدر جاری اولان اصول بور. بیکون او صلاحیت کاتب عبدالله وورمک ایسته یورساق او وقت کاتب عدل، کیمسه اعتبر مالیسیه مطلع او لاجیج و سانطی آرامق ایسته بوده دوض بدر، بناء علیه اصول ساقه لئو ایدله بیکر باکر اصحاب مصالح لهنه یکی بر اصول علاوه ایتدیکی ایجون بوماده نک عیناً ایقانی لازمدر.

رئیس — مذا کرمی کافی اندم؟

مذا کرمی کافی اندم؟

کافی کورلشدیر اندم.

تقریرلر اوقویکز:

۶۰ » نجی ماده نک طینی تکلیف ایدم.

| | | | |
|---|--|--|--|
| پس از کشیدن لایه کارخانه از پیش بازدید باشد | موقتی که میتوان آن را بازدید کرد | موقتی که میتوان آن را بازدید کرد | موقتی که میتوان آن را بازدید کرد |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| نام | نام | نام | نام |
| نام | نام | نام | نام |

المعاد آن روز تعلیم

نیزهله : ۱۴۹۱ کاون گانی

پیش پیمانه وال ساخت ایکسید افقار ایمده مکمل

۱۴۹۲ — هزارات تغیر ایندیک و چوست راز آسباب تئری خانه نایس میتوی ایند عیناً ایندیک بین رفاقتان سوال تغیری .

۱۴۹۳ — ایکسید ایمده میتوی ایندیک برجهله مواد :

۱۴۹۴ — سب و لایتی میتوی و لولکلانت تندیل شدمک لایتی ناویه .

۱۴۹۵ — مدنگ اسیدیک پیکنک و دفعه ایونیک مواد :

۱۴۹۶ — پولی پیمانه سروتا و زوچولون ، ایکنی ، دروزک و پارطین اسالانه خیر منعکنوا خانده اداری میوی و دیگر بعض ایکلیات مقدنه لایتی ناویه .

۱۴۹۷ — موادیان از پیمانه خصیص میاندان مقدنه لایتی ناویه ،

۱۴۹۸ — یکین جذب اسیدده قاروه مواد :

۱۴۹۹ — کات مدل فرانسیمه .

۱۵۰۰ — هماک تکابه لیکلکانی کاونک ۱۴۷۶ کی مادنی مدل فرانسیمه .

۱۵۰۱ — دوچرخه کوکوتنه اندام ایکرمهنه میکنی مذکوری خانه گستری میتوی تارخ یکت تکلیف قوییه .

۱۵۰۲ — چوچه کوکوتنه اندام ایکرمهنه مذکوری خانه چوچ اویل پیداکار که هر صلی ایزونه استخان اینمی میباشی .

۱۵۰۳ — زوچی حسی خیلی ایلان میمودون مهدت مرخ غذارات خنده خوبیه ایلان هانه هر صلی ایزونه استخان اینمی میباشی .

65 of 100

stages of life